

رِزْقِ ، وَتَطْوِيلِ عُمَرَى ، وَاعْطَاءِ سُؤْلِی فِی آخِرَتِی وَدُنْیَاِی .

روزِ ام ، و طول عمرم ، و عطا کردن خواسته ام ، در آخرت و دنیایم .

اَللّٰهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ . اَللّٰهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ الْحَسَنِ

خدایا قاتلان امیرمؤمنان را لعنت کن . خدایا قاتلان حسن

وَالْحُسَیْنِ . اَللّٰهُمَّ الْعَن قَتْلَةَ الْاِئِمَّةِ ، وَعَذِیْبِهِمْ عَذَابًا اَلِیْمًا

و حسین و امامان را لعنت کن . و آنان را عذاب نما ، عذابی دردناک ، که بدان گونه

لَا تُعَذِّبُوْهُ اَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِیْنَ ، عَذَابًا کَثِیْرًا لَا اَنْقِطَاعَ لَهٗ ،

احدی از جهانیان را عذاب نکنی ، عذابی بسیار ، که قطع شدن و مدت و اندازه برای آن نباشد ،

وَلَا اَجَلَ وَلَا اَمَدَ بِمَا شَاقُّوْا وَّلَاةَ اَمْرِکَ ، وَ اَعِدَّ لَهُمْ عَذَابًا

به خاطر دشمنیهایی که با والیان حکومت کردند ، و برای آنان عذابی آماده کن ،

لَمْ تُحْلِلْهُ بِاَحَدٍ مِّنْ خَلْقِکَ . اَللّٰهُمَّ وَادْخِلْ عَلٰی قَتْلَةِ اَنْصَارِ

که آن را به احدی از بندگان تو نیاورده باشی ، خدایا وارد کن بر قاتلان یاوران

رَسُوْلِکَ ، وَعَلٰی قَتْلَةِ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ ، وَعَلٰی قَتْلَةِ الْحَسَنِ

رسولت ، و بر قاتلان امیر مؤمنان و بر قاتلان حسن

وَالْحُسَیْنِ ، وَعَلٰی قَتْلَةِ اَنْصَارِ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ ، وَقَتْلَةِ مَنْ

و حسین ، و بر قاتلان یاوران حسن و حسین ، و بر قاتلان

قُتِلَ فِیْ وَلَایَةِ اَلِ مُحَمَّدٍ اَجْمَعِیْنَ ، عَذَابًا اَلِیْمًا مُّضَاعَفًا ، فِی اَسْفَلِ

کسانی که در راه ولایت خاندان محمد کشته شده ، عذابی دردناک ، دو چندان ، در پست ترین

دَرِّکَ مِنَ الْجَحِیْمِ ، لَا یُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ ، وَهُمْ فِیْهِ مُبْلِسُوْنَ

طبقه دوزخ ، که عذاب از آنها سبک نشود ، در حالی که در آنجا ناامید

مَلْعُوْنَونَ ، نَاکِسُوْا رُؤُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ، قَدْ عَايَنُوْا النَّدَامَةَ

و لعنت شده و در پیشگاه پروردگارشان سرفکنده باشند ، و ببینند پشیمانی

وَالْخِزْیَ الطَّوِیْلَ ، لِقَتْلِهِمْ عِترَةَ اَنْبِیَائِکَ وَرُسُلِکَ ، وَاتَّبَاعَهُمْ

و رسوایی طولانی را به خاطر قتل عترت انبیا و رسولان و پیروان

مِّنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِیْنَ . اَللّٰهُمَّ الْعَنَّهُمْ فِی مُسْتَسْرِ السِّرِّ ،

آنان از بندگان شایسته ات . خدایا آنان را در پنهانی پنهان ،

وَزَاهِرِ الْعَالَنِیَةِ فِی اَرْضِکَ وَسَمَائِکَ. اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ لِی قَدَمَ

و آشکار آشکار، در زمین و آسمانت لعنت کن. خدا یا دربار

صِدْقٍ فِی اَوْلِیَائِکَ، وَحَبِّبْ اِلَیَّ مَشَاهِدَهُمْ وَمُسْتَقَرَّهُمْ، حَتّٰی

اولیایت برای من قدم صدق قرار ده، و زیارتگاهها و قرارگاهشان را محبوب من گردان، تا به آنان

تُلْحِقْنِیْ بِهِمْ، وَتَجْعَلْنِیْ لَهُمْ تَبَعًا فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ؛ یَا اَرْحَمَ

ملحقم کنی، و پیرو آنانم گردانی در دنیا و آخرت، ای مهربان ترین

الرَّاحِمِیْنَ. پَسْ ضَرِیْحَ رَا بَبُوسَ، وَ پَشْتْ بَه قَبْلَه وَ رُو بَه

مهربانان.

جَانِبِ قَبْرِ حَضْرَتِ اِمَامِ حُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلَامُ بَا یَسْتْ وَ بَکُو: اَلْسَّلَامُ

سلام

عَلِیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ؛ اَلْسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَنَ رَسُوْلِ اللّٰهِ؛ اَلْسَّلَامُ

بر تو ای ابا عبدالله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام

عَلِیْکَ یَا بَنَ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ؛ اَلْسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَنَ فَاطِمَةَ

بر تو ای پسر امیر مؤمنان، سلام بر تو ای پسر فاطمه

الزَّهْرَاءِ، سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ؛ اَلْسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَا الْاِیْمَةِ

زهرا سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای پدر امان

الْهَادِیْنَ الْمُهْدِیِّیْنَ؛ اَلْسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا صَرِیْعَ الدَّمْعَةِ السَّاکِبَةِ؛

هدایت گر و هدایت شده، سلام بر تو ای کشته اشک جاری،

اَلْسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا صَاحِبَ الْمُصِیْبَةِ الرَّاتِبَةِ؛ اَلْسَّلَامُ عَلَیْکَ

سلام بر تو ای صاحب مصیبت پی در پی، سلام بر تو

وَعَلٰی جَدِّکَ وَآبِیْکَ؛ اَلْسَّلَامُ عَلَیْکَ وَعَلٰی اُمِّکَ وَآخِیْکَ؛

و بر جدت و پدرت، سلام بر تو و بر مادر و برادرت،

اَلْسَّلَامُ عَلَیْکَ وَعَلٰی الْاِیْمَةِ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ وَبَنِیْکَ؛ اَشْهَدُ لَقَدْ

سلام بر تو و بر امامان از نسل و فرزندان، شهادت می دهم

طَیَّبَ اللّٰهُ بِکَ التُّرَابَ، وَآوَضَحَ بِکَ الْکِتَابَ، وَجَعَلَکَ

که خدا خاک را به وسیله تو پاک کرد، و قرآن را با تو واضح نمود، و تو را

وَأَبَاكَ وَجَدَّكَ وَأَخَاكَ وَبَنِيكَ ، عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ ؛ يَا بَنَ

و پدر و جدت، و برادر و فرزندان را عبرتی برای صاحبان خرد قرار داد، ای فرزندان

الْمِيَامِينَ الْأَطْيَابِ، أَتَالِينَ الْكِتَابَ، وَجَّهْتُ سَلَامِي إِلَيْكَ،

پدران با میمنت و پاک، و تلاوت کنندگان کتاب، سلامم را متوجه تو می نمایم

صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ ، وَجَعَلَ أَفِيدَةً مِنَ النَّاسِ

درودهای خدا و سلامش بر تو، و قرار دهد دلهای مردم را

تَهْوِي إِلَيْكَ ، مَا خَابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ ، وَلَجَأَ إِلَيْكَ. پس پابین

هواخواه تو، آنکه متمسک به تو شد، و پناه به تو آورد، هرگز ناامید نشد.

يَا بَايِسْتِ ، وَ بَكُو: السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَّةِ ، وَخَلِيلِ النَّبُوَّةِ ،

سلام بر پدر امامان، و همراه نبوت،

وَالْمَخْصُوصِ بِالْأُخُوَّةِ ؛ السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ وَالْإِيمَانِ ،

و اختصاص یافته به برادری، سلام بر رئیس دین و ایمان،

وَكَلِمَةِ الرَّحْمَنِ ؛ السَّلَامُ عَلَى مِيزَانِ الْأَعْمَالِ ، وَمُقَلِّبِ

و کلمه رحمان، سلام بر ترازوی اعمال و زیر و رو کننده

الْأَحْوَالِ ، وَسَيْفِ ذِي الْجَلَالِ ، وَسَاقِي السَّلْسَبِيلِ الزُّلَالِ ؛

احوال، و شمشیر خدای ذو الجلال، و ساقی چشمه گوارای زلال،

السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَوَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ ، وَالْحَاكِمِ

سلام بر شایسته مؤمنان، و وارث دانش پیامبران، و حاکم

يَوْمَ الدِّينِ ؛ السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ التَّقْوَى ، وَسَامِعِ السِّرِّ وَالنَّجْوَى ؛

روز جزا، سلام بر درخت تقوا، و شنونده راز و نهان،

السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ ، وَنِعْمَتِهِ السَّابِغَةِ ، وَنِقْمَتِهِ

سلام بر حجت رسای خدا، و نعمت کاملش، و انتقام

الدَّامِغَةِ ؛ السَّلَامُ عَلَى الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ ، وَالنَّجْمِ اللَّائِحِ ،

کوبنده اش. سلام بر راه روشن، و ستاره فروزان،

وَالْإِمَامِ النَّاصِحِ ، وَالزِّنَادِ الْقَادِحِ ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. پس

و رهبر خیرخواه، و مایه آتش را علیه کفر و شرک، رحمت و برکات خدا بر او باد.

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علییه

بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، أَخِي

خدایا درود فرست بر امیر مؤمنان علی بن ابیطالب برادر

نَبِيِّكَ، وَوَلِيِّهِ وَنَاصِرِهِ، وَوَصِيِّهِ وَوَزِيرِهِ، وَمُسْتَوْدَعِ عِلْمِهِ،

پیامبرت، ولی و یاور و جانشین و وزیرش، و سپردگاه و دانشش،

وَمَوْضِعِ سِرِّهِ، وَبَابِ حِكْمَتِهِ، وَالنَّاطِقِ بِحُجَّتِهِ، وَالِدَّاعِي إِلَى

و جایگاه رازش و دروازه حکمتش و گویای به برهانش و دعوت کننده

شَرِيعَتِهِ، وَخَلِيفَتِهِ فِي أُمَّتِهِ، وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ،

به دینش و جانشین او را در امتش، و زاینده اندوه از چهره اش، شکننده

قَاصِمِ الْكُفْرِ، وَمُرْغِمِ الْفَجْرَةِ، الَّذِي جَعَلْتَهُ مِنْ نَبِيِّكَ

کافران، و به خاک مالنده دماغ بدکاران، آن که او را از پیامبرت به

بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ

منزله هارون از موسی قرار دادی. خدایا دوست مدار دوستدارش را، و دشمن مدار

عَادَاهُ، وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ، وَالْعَنَ مَنْ

دشمنش را، و یاری کن و یاری دهنده اش را، و خوار کن

نَصَبَ لَهُ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ، أَفْضَلَ مَا

خوار کننده اش را، و از پیشینیان و پسینیان لعنت کن هر که در برابرش بایستد،

صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ؛ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. پس به

و بر او درود فرست برترین درودی که بر کسی از جانشینان پیامبران فرستادی ای پروردگار جهانیان.

جانب سر برگرد برای زیارت حضرت آدم علییه و حضرت

نوح علییه و در زیارت حضرت آدم بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ؛

سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ؛ السَّلَامُ

سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْبَشَرِ ؛

بر تو ای خلیفه خدا در زمینش، سلام بر تو ای پدر بشر،

السَّلَامُ (سَلَامُ اللَّهِ) عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ ، وَ عَلَى

سلام بر تو و بر روان و تن، و بر

الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِكَ وَ ذُرِّيَّتِكَ ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ ، صَلَاةً

پاکان از فرزندان و نسل، و درودی که جز

لَا يُحْصِيهَا إِلَّا هُوَ ، وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ . وَ در زیارت نوح علیه السلام

خدا آن را شماره نکند، و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

نیز بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ ؛

سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ ؛

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای محبوب خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَيْخَ الْمُرْسَلِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي

سلام بر تو ای بزرگ رسولان، سلام بر تو ای امین خدا در

أَرْضِهِ ، صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ ، وَ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ ،

زمینش، درود و سلام خدا بر تو و بر روان و تن، و بر

وَ عَلَى الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِكَ ، وَ رَحْمَةً اللَّهُ وَ بَرَكَاتُهُ . آنگاه

پاکان از فرزندان و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

شش رکعت نماز بخوان، دو رکعت برای امیرمؤمنان علیه السلام در

رکعت اول پس از سوره «حمد» سوره «الرحمن» ، و در

رکعت دوم بعد از سوره «حمد» سوره مبارکه «یس» ، و پس

از نماز، تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بگو و سپس از خدا

طلب آمرزش نما، و برای خود دعا کن، و بگو:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ صَلَّیْتُ هَاتِیْنِ الرَّكَعَتَیْنِ ، هَدِیَّةً مِنْیْ اِلَی سَیِّدِی

خدا یا من این دو رکعت نماز را خواندم، به عنوان هدیه‌ای از من به اقا

وَمَوْلَایَ ، وَلِیِّكَ وَآخِی رَسُوْلِكَ ، اَمِیرِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَسَیِّدِ

و مولایم، ولی‌ات و برادر رسولت، امیر مؤمنان، و سرور

الْوَصِیَّیْنَ ، عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ ، صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَیْهِ وَعَلَیْ اٰلِهِ.

جانشینان، علی بن ابیطالب (درود خدا بر او و خاندانش).

اَللّٰهُمَّ فَصِّلْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَقَبَّلْهَا مِنْیْ ، وَاجْزِنِیْ

پس بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و آن را از من قبول کن، و بر آن

عَلَی ذٰلِكَ جَزَاءَ الْمُحْسِنِیْنَ. اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَّیْتُ ، وَلَكَ رَكَعْتُ

پاداشم ده پاداش نیکوکاران. خدا یا برای تو نماز خواندم، و رکوع

وَلَكَ سَجَدْتُ وَحَدَّكَ ، لَا شَرِیْكَ لَكَ ، لِاَنَّهُ لَا تَكُوْنُ

و سجده کردم، یگانه‌ای و شریکی نداری، چرا که

(لَا تَجُوْزُ) الصَّلَاةُ وَالرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ اِلَّا لَكَ ، لِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ،

نماز و رکوع و سجود جز برای تو نیست، تویی خدا، معبودی

لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَتَقَبَّلْ

جز تو وجود ندارد. خدا یا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و زیارت

مِنْیْ زِیَارَتِیْ ، وَاعْطِنِیْ سُؤْلِیْ ، بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِیْنَ.

را قبول کن، و خواسته‌ام را عطا فرما، به حق محمد و خاندان پاکش.

و چهار رکعت دیگر را هدیه آدم و نوح قرار بده، سپس

سجده شکر بجا آور، و در سجده بگو: اَللّٰهُمَّ اِلَیْكَ

خدا یا به تو

تَوَجَّهْتُ ، وَبِكَ اعْتَصَمْتُ ، وَعَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ. اَللّٰهُمَّ اَنْتَ

روی آوردم، و به تو پناه آوردم، و بر تو توکل کردم. خدا یا تو مورد

ثِقَتِیْ وَرَجَائِیْ ، فَاکْفِنِیْ مَا اَهْمَّنِیْ وَمَا لَا یُهْمُنِیْ ، وَمَا اَنْتَ

اطمینان و امید منی، پس آنچه فکر مرا مشغول کرده و مشغول نمی‌کند، و آنچه را تو را از من به آنان

أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، صَلِّ

داناتری از من کفایت کن، پناهنده به تو عزیز است، و ثنایت بس عظیم است، و معبودی جز تو نیست،

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقَرِّبْ فَرَجَهُمْ. پس طرف راست

بر محمد و خاندان محمد درود فرست و گشایش کارشان را نزدیک کن

صورت را بر زمین بگذار و بگو: اِرْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ،

رحم کن به خواری ام در برابر تو،

وَتَضَرَّعْ إِلَى إِلَيْكَ، وَوَحَشْتِي مِنَ النَّاسِ، وَأُنْسِي بِكَ؛ يَا كَرِيمُ يَا

و زاری ام به درگاهت و به ترسم از مردم، و انس من به تو، ای کریم،

كَرِيمُ يَا كَرِيمُ. آنگاه جانب چپ صورت را بر زمین بگذار

ای کریم، ای کریم.

و بگو: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ رَبِّي، حَقًّا حَقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا

معبودی جز تو نیست به راستی به راستی، ای پروردگارم از باب بندگی و بردگی برایت سجده

وَرَقًا. اَللّٰهُمَّ اِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي؛ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ يَا

کردم. خدایا عملم اندک است. آن را دو چندان گردان، ای کریم، ای کریم،

كَرِيمُ. پس به سجده برو و صد مرتبه بگو: «شُكْرًا» و در دعا

ای کریم.

کردن بکوش، که اینجا محلّ خواستن خواهشها است، و

بسیار استغفار کن که جای آمرزش گناهان است، و حاجات

خود را از خدا بخواه، که مقام استجاب دعاهاست. سید ابن

طاووس در کتاب «مزار» و نیز غیر او گفته اند: تا زمانی که در

نجف هستی هر نمازی که به جا می آوری چه واجب و چه

مستحب، بعد از آن این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ لَا بُدَّ مِنْ اَمْرِكَ ، وَلَا بُدَّ مِنْ قَدَرِكَ ، وَلَا بُدَّ مِنْ قَضَائِكَ ،

خدايا از دستورت و تقدیرت و قضایات چاره‌ای نیست،

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ . اَللّٰهُمَّ فَمَا (كَمَا) قَضَيْتَ عَلَيْنَا مِنْ

و جنبش و نیرویی جز به تو نیست. پس آنچه بر ما از قضایی که

قَضَاءٍ ، اَوْ قَدَّرْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَدَرٍ ، فَاعْطِنَا مَعَهُ صَبْرًا يَقْهَرُهُ

حتم کردی، یا از تقدیری که مقدر نمودی، همراه آن به ماصبری عطا کن که

وَيَدْمَعُهُ ، وَاجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ ، يُنْمِي فِي حَسَنَاتِنَا

بر آن چیره شود، و آن را درهم کوبد، و آن شکیبایی را برای ما، نردبانی به سوی رضوانت قرار ده،

وَتَفْضِيلِنَا ، وَسُودَدِنَا وَشَرَفِنَا ، وَمَجْدِنَا وَنِعْمَائِنَا ، وَكَرَامَتِنَا

که افزوده شود در حسنات ما. و برتری و آقایی و شرف و بزرگواری و نعمتها و کرامت ما

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، وَلَا تَنْقُصْ مِنْ حَسَنَاتِنَا . اَللّٰهُمَّ وَمَا

در دنیا و آخرت، و از حسنات ما کم نکن. خدايا آنچه به ما از

اَعْطَيْتَنَا مِنْ عَطَاءٍ ، اَوْ فَضَّلْتَنَا بِهِ مِنْ فَضِيلَةٍ ، اَوْ اَكْرَمْتَنَا

عطایی که عطا کردی، و از فضیلتی که تفضل فرمودی، یا از کرامتی

بِهِ مِنْ كَرَامَةٍ ، فَاعْطِنَا مَعَهُ شُكْرًا يَقْهَرُهُ وَ يَدْمَعُهُ ،

که کرم کردی، به همراه آن شکری مرحمت فرما که بر آن چیره شود و آن را فرو گیرد، و آن شکر را برای ما،

وَاجْعَلْهُ لَنَا صَاعِدًا فِي رِضْوَانِكَ وَ فِي حَسَنَاتِنَا ، وَسُودَدِنَا

بالارونده در رضوانت، و بالا برنده در حسنات و آقایی،

وَشَرَفِنَا ، وَنِعْمَائِكَ (وَنِعْمَائِنَا) وَكَرَامَتِكَ (وَكْرَامَتِنَا) فِي

و شرف و نعمتها، و کرامتت در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . [اَللّٰهُمَّ] وَلَا تَجْعَلْهُ لَنَا اَشْرًا وَلَا بَطْرًا ،

دنیا و آخرت قرار ده، و آن را برای ما نقطه کبر و طغیان

وَلَا فِتْنَةً وَلَا مَقْتًا ، وَلَا عَذَابًا وَلَا خِزْيًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ .

و فتنه و کینه‌توزی و عذاب و رسوایی در دنیا و آخرت قرار مده.

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنْ عَثَرَةِ اللِّسَانِ ، وَسَوْءِ الْمَقَامِ ، وَخِفَّةِ

خدايا به تو پناه می‌آوریم، از لغزش زبان، و بدی جایگاه، و سبکی

المِيزَانِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَلَقِّنَا حَسَنَاتِنَا

میزان اعمال. خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و نیکیهای ما را

فِي الْمَمَاتِ ، وَلَا تُرْنَا اَعْمَالَنَا حَسَرَاتٍ ، وَلَا تُخْرِزْنَا عِنْدَ قَضَائِكَ ،

در مردن به ما برسان، و اعمالمان را به ما مایه پشیمانی نشان مده، و هنگام داوری ما را شرمسار مکن،

وَلَا تَفْضَحْنَا بِسَيِّئَاتِنَا يَوْمَ نَلْقَاكَ ، وَاجْعَلْ قُلُوبَنَا تَذَكُّرَكَ ،

و به بدیهایمان رسوا مساز، در آن روزی که با تو ملاقات می کنیم، دلهای ما را طوری قرار ده که یادت کند،

وَلَا تَنْسَاكَ وَتَحْشَاكَ ، كَأَنَّهُا تَرَكَ حَتَّى نَلْقَاكَ ، وَصَلِّ عَلٰی

و فراموشت ننماید، و از تو بهراسد، آنچنان که گویی تو را می بیند، آن هم تا زمانی که تو را ملاقات کنیم، و بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَبَدِّلْ سَيِّئَاتِنَا حَسَنَاتٍ ، وَاجْعَلْ حَسَنَاتِنَا

محمد و خاندان محمد درود فرست، و بدیهای ما را تبدیل به خوبیها کن، و خوبیهای ما را

دَرَجَاتٍ ، وَاجْعَلْ دَرَجَاتِنَا غُرَفَاتٍ ، وَاجْعَلْ غُرَفَاتِنَا عَالِيَاتٍ .

درجات، و درجات ما را غرفه های بهشتی، و غرفه های ما را بلندمرتبه گردان.

اَللّٰهُمَّ وَآوِسِعْ لِفَقِيرِنَا ، مِنْ سَعَةِ مَا قَضَيْتَ عَلٰی نَفْسِكَ .

خدایا به تهیدستانمان وسعت ده، از وسعتی که بر خود حتم کردی.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَمُرِّ عَلَيْنَا بِالْهُدٰی

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و بر ما به هدایت منت گذار

مَا بَقِيَّتِنَا ، وَالْكَرَامَةَ مَا أَحْيَيْتَنَا ، وَالْكَرَامَةَ [وَالْمَغْفِرَةَ] إِذَا

تا باقیمان داری و به کرامت تا زنده مان داری و باز به کرامت او [آمزش] زمانی که ما

تَوَفَّيْتَنَا ، وَالْحِفْظَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمرِنَا ، وَالْبَرَكَهَ فِيمَا رَزَقْتَنَا ،

را بمیرانی، و به نگهداری در آنچه از عمرمان مانده، و برکت در آنچه روزی نمودی،

وَالْعَوْنَ عَلٰی مَا حَمَلْتَنَا ، وَالثَّبَاتَ عَلٰی مَا طَوَّقْتَنَا ، وَلَا تُؤَاخِذْنَا

و کمک به آنچه تکلیفمان فرمودی، و به پایداری به آنچه به عهده ما قرار دادی و ما را به ستممان

بِظُلْمِنَا ، وَلَا تُقَايِسْنَا بِجَهْلِنَا ، وَلَا تَسْتَدْرِجْنَا بِخَطَايَانَا ، وَاجْعَلْ

مؤاخذه مکن، و به نادانی مان مقایسه منما، و به خطاهایمان غافلگیر مفرما،

أَحْسَنَ مَا نَقُولُ ثَابِتًا فِي قُلُوبِنَا ، وَاجْعَلْنَا عُظَمَاءَ عِنْدَكَ ،

و بهترین چیزی که می گوئیم در دلهایمان ثابت گردان، و ما را در پیشگاهت با عظمت،

وَأَذِلَّةً فِي أَنْفُسِنَا ، وَانْفَعْنَا بِمَا عَلَّمْتَنَا ، وَزِدْنَا عِلْمًا نَافِعًا ، وَاعُوذُ

و در نزد خودمان خوار قرار ده، و از آنچه به ما آموختی سودمان بخش، و به ما دانش یا منفعت بیفزاء، و به تو پناه

بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ ، وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ ، وَمِنْ صَلَاةٍ

می آورم از دلی که رام نگردد، و از چشمی که اشک نریزد، و از نمازی

لَا تُقْبَلُ ، أَجْرَنَا مِنْ سُوءِ الْفِتَنِ ؛ يَا وَلِيَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . سَيِّدُ

که پذیرفته نشود، ما را از بدی آشوبها پناه ده، ای سرپرست دنیا و آخرت.

در کتاب «مصباح الزائر» فرموده است: دعای دیگری که مستحب است به دنبال نماز زیارت امیرمؤمنان علیه السلام خوانده شود: «يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ؛ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ»؛ تا آخر، فقیر گوید: این دعا همان دعای صفوان است که به دعای علقمه معروف شده، و در ذیل زیارت عاشورا ان شاء الله خواهد آمد [صفحه ۱۱۲۲].

بدان که زیارت سر مطهر حضرت سید الشهداء کنار قبر امیرمؤمنان علیه السلام مستحب است، و در کتاب «وسائل» و «مستدرک» فصلی برای آن رقم زده‌اند. در مستدرک از کتاب «مزار» محمد بن مهدی نقل کرده که امام صادق علیه السلام سر مبارک امام حسین علیه السلام را نزد سر امیرمؤمنان علیه السلام زیارت کرد، و چهار رکعت نماز خواند، و آن زیارت این است:

زیارت امام حسین علیه السلام در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیر

الْمُؤْمِنِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ ، سَيِّدَةِ

مؤمنان، سلام بر تو ای پسر صدیقه طاهره، سرور

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، وَرَحْمَةُ

زنان جهانیان، سلام بر تو ای مولای من، ای ابا عبدالله و رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ [قَدْ] أَقَمْتَ الصَّلَاةَ ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ ،

و برکات خدا بر تو باد، شهادت می دهم که نماز را برپا داشتی، و زکات را پرداختی،

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقًّا

و به معروف امر کردی، و از زشتی نهی نمودی، و قرآن را تلاوت کردی و حق

تِلَاوَتِهِ ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْآذَى فِي

تلاوتش را بجا آوردی، و در راه خدا جهاد کردی، و حق جهاد را ادا نمودی، و در جنب خدا،

جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا ، حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الَّذِينَ خَالَفُوكَ

بر آزار دشمنان صبر کردی، در حالی که عملت را به حساب حق گذاشتی، تا مرگت فرا رسید، و شهادت

وَحَارِبُوكَ ، وَأَنَّ الَّذِينَ خَذَلُوكَ ، وَالَّذِينَ قَتَلُوكَ ، مَلْعُونُونَ

می دهم کسانی که با تو مخالفت ورزیدند، و با تو جنگیدند، و آنان که از یاریات دریغ نمودند، و آنان که تو را کشتند،

عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ ، وَقَدْ خَابَ مَنْ افْتَرَى. لَعَنَ اللَّهُ

بر زبان پیامبر امی ملعون هستند، و زیانکار شد کسی که افترا بست، خدا

الظَّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ، وَضَاعَفَ عَلَيْهِمُ

ستمکاران بر شما را از گذشتگان و آیندگان لعنت کند، و عذاب دردناک را بر آنان

الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ؛ أَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ ، زَائِرًا عَارِفًا

دو چندان سازد، ای مولایم به محضرت آمدم ای پسر رسول خدا، در حال زیارت، و عارف

بِحَقِّكَ ، مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ ، مُسْتَبْصِرًا

به حقت، دوستدار دوستانت، دشمن دشمنانت می باشم، به هدایتی

بِالْهُدَى الَّتِي أَنْتَ عَلَيْهِ ، عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكَ ، فَاشْفَعْ لِي

که بر آن هستی بینایم، و به گمراهی کسانی که با تو مخالفت کردند آشنایم، پس مرا

عِنْدَ رَبِّكَ.

نزد پروردگارت شفاعت کن.

مؤلف گوید: اگر همین زیارت را در مسجد حنّانه بخوانند مناسب است، زیرا شیخ محمد بن مشهدی روایت کرده: امام صادق علیه السلام، امام حسین علیه السلام را در مسجد حنّانه به این صورت زیارت کرد و چهار رکعت نماز خواند. پوشیده نماند که مسجد حنّانه از مساجد شریفه نجف اشرف است، و در حدیث رسیده است که سر منور حضرت سید الشهداء علیه السلام آنجاست، و در روایتی است که امام صادق علیه السلام در آنجا دو رکعت نماز خواند، از آن حضرت پرسیدند: این چه نمازی است؟ فرمود: این محلّ سر مطهر جدّم حسین بن علی علیه السلام است، که وقتی لشگر از کربلا برگشتند، آن را در اینجا نهادند، سپس به نزد عبید الله بن زیاد بردند، و از آن حضرت روایت شده: در اینجا این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرٰى مَكَانِى ، وَتَسْمَعُ كَلَامِى ، وَلَا يَخْفٰى عَلٰىكَ

خدايا جايم را مى بينى، و كلامم را مى شنوى، و چيزى از كارم

شئى من امرى، وَكَيْفَ يَخْفٰى عَلٰىكَ مَا اَنْتَ مُكَوِّنُهُ وَبَارِئُهُ؟!
 بر تو پوشيده نيست، و چگونه پوشيده بماند، آنچه تو ايجاد كننده و پديدآورنده اش هستى،

وَقَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعًا بِنَبِيِّكَ ، نَبِىِّ الرَّحْمَةِ ، وَمُتَوَسِّلًا

اينك به پيشگاهت آمده ام، از پيامبرت پيامبر رحمت شفاعت مى جويم و به جانشين رسولت

زیارت امین الله

بِوَصِي رَسُولِكَ ، فَاسْأَلْكَ بِمَا ثَبَاتَ الْقَدَمَ وَاهْدِيْ ،

متوسل هستم، به حق آن دو پیشوا از تو درخواست ثبات قدم و هدایت

وَالْمَغْفِرَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

و آمرزش در دنیا و آخرت را دارم.

زیارت دوم: زیارت معروف به «امین الله» است که در نهایت اعتبار می باشد، و در تمام کتابهای زیارتی و مصابیح نقل شده . علامه مجلسی (ره) فرموده: این زیارت از جهت متن و سند از بهترین زیارات است، و باید در تمام روضه های ائمه بر آن مواظبت نمایند. درباره این زیارت به سندهای معتبر از جابر، از امام باقر علیه السلام روایت شده :

حضرت زین العابدین علیه السلام به زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام آمد، و در کنار قبر آن حضرت ایستاد و گریست و چنین گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَ حُجَّتِهِ عَلَى

سلام بر تو ای امین خدا بر روی زمینش، و حجت او بر

عِبَادِهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ

بندگان، سلام بر تو ای امیر مؤمنان [اگر این زیارت برای امام دیگر خوانده شود، «السلام عليك یا امیرالمؤمنین»

فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ، وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ ، وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ

گفته نمی شود مؤلف [شهادت می دهم که تو در راه خدا آن چنان که باید جهاد کردی، و به کتابش عمل نمودی، و روشهای پیامبرش (درود خدا بر او خاندانش) را پیروی کردی،

نَبِيِّهِ ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جَوَارِهِ ،

و روشهای پیامبرش (درود خدا بر او خاندانش) را پیروی کردی، تا خدا تو را به جوارش خواند،

فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ ، وَ أَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ ، مَعَ مَا لَكَ مِنْ

و با اختیارش تو را به جانب خود قبض نمود، و دشمنانت را ملزم به حجت کرد،

زیارت امین الله

الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ. اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِيْ مُطْمَئِنَّةً

با آنچه تو راست از حجت‌های رسا بر همه مخلوقاتش. خدايا قرار ده نفسم را آرام در برابر

بِقَدْرِكَ ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ ، مُحِبَّةً

تقدیرت، خشنود به قضاوتت، حریص به ذکر و دعایت، عاشق به برگزیده

لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ ، صَابِرَةً عَلَى

دوستانت، محبوب در زمین و آسمانت، شکیبا بر

نُزُولِ بَلَائِكَ ، [شَاكِرَةً لِّفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ، ذَاكِرَةً لِّسَوَائِغِ

نزول بلایت، سپاسگزار بر فزونی نعمت‌هایت، یادکننده کامل عطا‌هایت،

آلَائِكَ] ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرَحَةِ لِقَائِكَ ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ

مشتاق به شادی دیدارت، توشه برگیرنده تقوا برای روز

جَزَائِكَ ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ

پاداشت، پیرو روش‌های اولیایت، جداکننده از اخلاق

أَعْدَائِكَ ، مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ.

دشمنانت، غافل از دنیا به سپاس و ثنایت.

پس روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوْبَ الْمُحِبِّينَ اِلَيْكَ وَاهْتُمْ ، وَسُبُلَ الرَّاٰغِبِيْنَ اِلَيْكَ

خدايا دل‌های فروتنان، سرگردان به سوی توست، و راه‌های مشتاقان به درگاهت

شَارِعَةٌ ، وَاعْلَامَ الْقَاصِدِيْنَ اِلَيْكَ وَاضِحَةٌ ، وَافِيْدَةُ الْعَارِفِيْنَ

نمایان است، و نشانه‌های قاصدان و کویات پیدا است، و دل‌های عارفان

مِنْكَ فَازِعَةٌ ، وَأَصْوَاتُ الدَّاعِيْنَ اِلَيْكَ صَاعِدَةٌ ، وَأَبْوَابُ

از تو هراسان است، و صدای خوانندگان به جانب تو بلند است، و در‌های

الْاِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ ، وَدَعْوَةٌ مِّنْ نَّاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ ، وَتَوْبَةٌ مِّنْ

اجابت به رویشان گشوده، و دعای آنکه با تو مناجات کرد مستجاب است، و توبه کسی

اَنَابَ اِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ ، وَعِبْرَةٌ مِّنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ ،

که به سوی تو بازگشت پذیرفته است، و اشک کسی که از ترس تو گریه کرد مورد رحم است،

زیارت امین الله

وَالْإِغَاثَةَ لِمَنْ اسْتَغَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً (مَبْذُولَةً)، وَالْإِعَاثَةَ لِمَنْ

و فریادرسی برای کسی که از تو فریاد خواست آماده است، و کمک برای

اسْتَعَانَ بِكَ مَبْذُولَةً (مَوْجُودَةً)، وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَرَةً،

کسی که از تو کمک خواست رایگان است، و وعده های تو برای بندگانت وفا شده،

وَزَلَكَ مَنْ اسْتَقَالَكَ مُقَالََةً، وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً،

و لغزش آن که از تو پوزش خواست نادیده گرفته شده، و اعمال عمل کنندگان نزد تو محفوظ است،

وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً، وَعَوَائِدَ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ

و روزیه های از جانب تو به سوی مخلوقات فرود آورده است، و بهره های افزون به سویشان

وَاصِلَةً، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً، وَحَوَائِجَ خَلْقِكَ

پیوسته است، و گناهان آمرزش جوینان آمرزیده است، و حاجات خلق

عِنْدَكَ مَقْضِيَّةً، وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوفَّرَةً، وَعَوَائِدَ

نزد تو برآورده است، و جایزه های خواستاران، پیش تو

الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً، وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ

کامل گشته است، و عایدات افزون پیایی است، و سفره های خواهندگان طعام آماده، و حوضهای

[لَدَيْكَ] مُتَرَعَّةً. اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِيْ، وَاقْبَلْ ثَنَائِيْ، وَاجْمَعْ

تشنگان لبریز است. خدایا دعایم را مستجاب کن، و ستایشم را بپذیر، و بین من

بَيْنِيْ وَبَيْنَ اَوْلِيَائِيْ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ

و اولیایم جمع کن، به حق محمد و علی و فاطمه و حسن

وَالْحُسَيْنِ، اِنَّكَ وَلِيٌّ نِّعْمَتِيْ، وَمُنْتَهَىٰ مُنَايَ، وَغَايَةُ رَجَائِيْ فِي

و حسین، تو ولی نعمت منی، و نهایت آرزو و هدف امید منی در

مُنْقَلَبِيْ وَمَثْوَايَ.

بازگشتگاه و محل اقامتم.

در کتاب «کامل الزیارات» پس از متن زیارت این جملات

آمده است: اَنْتَ اِلٰهِيْ وَسَيِّدِيْ وَمَوْلَايَ، اِغْفِرْ لِاَوْلِيَائِنَا،

تو معبود و آقا و مولای منی، دوستانمان را ببامرز،

وَكُفَّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا، وَاشْغَلَهُمْ عَن آذَانَا، وَأَظْهَرَ كَلِمَةَ الْحَقِّ

دشمنانمان را از ما بازدار، و از آزار ما غافلشان گردان، و کلمه حق

وَأَجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَأَجْعَلْهَا السُّفْلَى؛ إِنَّكَ

را نمایان و آن را برتر کن، و کلمه باطل را بلغزان و آن را پست تر قرار ده،

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

تو بر هر چیز توانایی.

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود: هر که از شیعیان ما این زیارت و دعا را در کنار قبر امیرالمؤمنین علیه السلام، یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند، البته حق تعالی این زیارت و دعای او را در نامه‌ای از نور بالا برد و، مُهر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر آن بزند و به این صورت محفوظ باشد، تا به قائم آل محمد (عج) تسلیم کنند، پس صاحبش را به بشارت و تحیت و کرامت استقبال نماید ان شاء الله تعالی. مؤلف گوید: این زیارت شریفه هم از زیارات مطلقه به حساب می‌آید، و هم از زیارات مخصوصه روز غدیر، و هم از زیارات جامعه، که در جمیع روضات مقدسه ائمه خوانده می‌شود.

زیارت سوّم: سیّد عبدالکریم بن طاووس از صفوان جمال روایت کرده: چون با امام صادق علیه السلام در زمانی که نزد ابوجعفر دوانیقی می‌رفتند وارد کوفه شدیم، فرمود: ای صفوان شتر را بخوابان که منطقه نزدیک قبر جدّم امیرالمؤمنین

علیه السلام است، پس پیاده شدند، و غسل کردند، و جامه را تغییر دادند، و پای مبارک را برهنه نمودند، و فرمودند: تو نیز چنین کن، پس به جانب نجف روانه شدند، و فرمودند: گامها را کوتاه بردار، و سر را به زیر انداز، که خدا برای تو به عدد هر گامی که بر می داری، صد هزار حسنه می نویسد، و صد هزار گناه محو می کند، و صد هزار درجه برایت بالا می برد، و صد هزار حاجت از تو برمی آورد، و برای تو ثواب هر صدیق و شهید که بوده باشد، یا به قتل رسیده باشد، ثبت می نماید، پس حضرت می رفتند و من نیز با آن حضرت می رفتم، با آرامش دل و تن، و تسبیح و تنزیه و تهلیل خدا می نمودیم، تا به تلها رسیدیم، پس به جانب راست و چپ نظر کردند، و به چوبی که در دست داشتند خطی کشیدند، و فرمودند: جستجو کن، جستجو کردم اثر قبری یافتم، پس اشک دیده به چهره مبارکش جاری شد و گفت: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾؛ و چنین

ادامه داد: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ الْبَرُّ التَّقِيُّ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای جانشین نیکوکار با تقوا، سلام بر تو

أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ الرَّشِيدُ؛ السَّلَامُ

ای خبر بزرگ، سلام بر تو ای صدیق رشید، سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَرُّ الزَّكِيُّ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ

بر تو ای نیکوکار پاک، سلام بر تو ای جانشین رسول پروردگار

الْعَالَمِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ؛ أَشْهَدُ

جهانیان، سلام بر تو ای برگزیده خدا بر همه خلق، شهادت می دهم

أَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ ، وَخَاصَّةُ اللَّهِ وَخَالِصَتُهُ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

که تو محبوب و بنده خاص و خالص خدای، سلام بر تو ای

وَلِيِّ اللَّهِ ، وَمَوْضِعَ سِرِّهِ ، وَغَيْبَةَ عِلْمِهِ ، وَخَازِنَ وَحْيِهِ . سِپِس

ولی خدا، و جایگاه راز و گنجینه علم و خزانه دار وحی خدا.

خود را به قبر چسبانده و گفتند: يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا

خود را به پدر و مادرم فدایت ای

أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ؛ يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا حُجَّةَ الْخِصَامِ ؛ يَا أَبَا أَنْتَ

امیر مؤمنان، پدر و مادرم فدایت ای حجت قاطع بر دشمنان، پدر

وَأُمِّي يَا بَابَ الْمَقَامِ ؛ يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي يَا نُورَ اللَّهِ التَّامِّ ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ

و مادرم فدایت ای دروازه مقام، پدر و مادرم فدایت ای نور کامل خدا، شهادت می دهم که تو

قَدْ بَلَغْتَ عَنِ اللَّهِ ، وَعَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا

آنچه را از خدا و رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش) بر عهده داشتی به طور

حُمِلْتَ ، وَرَعَيْتَ مَا اسْتُحْفِظْتَ ، وَحَفِظْتَ مَا اسْتُودِعْتَ ،

کاملی رساندی، و آنچه نگهداری اش از تو خواسته شده بود رعایت کردی، و آنچه به تو

وَحَلَلْتَ حَلَالَ اللَّهِ ، وَحَرَّمْتَ حَرَامَ اللَّهِ ، وَأَقَمْتَ أَحْكَامَ اللَّهِ ،

سپرده شده بود حفظ نمودی، و حلال خدا را حلال کردی، و حرام خدا را حرام ساختی، و احکام خدا را بپا داشتی،

وَلَمْ تَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا ، حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ ؛

و از حدود خدا تجاوز نکردی، و خدا را خالصانه بندگی کردی، تا مرگت فرا رسید،

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْإِمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ .

درود خدا بر تو، و بر امامان بعد از تو.

آنگاه حضرت صادق علیه السلام برخاست و بالای سر آن حضرت

چند رکعت نماز گزارد، و فرمود: ای صفوان هر که به این زیارت، امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت کند، و این نماز را بجا آورد، به سوی اهلش بازگردد درحالی که گناهانش آمرزیده و عملش مقبول و پسندیده شده باشد، و برای او ثواب هر که از ملائکه آن حضرت را زیارت کرده باشد نوشته شود، صفوان با تعجب گفت: ثواب هر که از ملائکه آن حضرت را زیارت کند؟! فرمود: آری در هر شبی هفتاد قبیله از ملائکه آن حضرت را زیارت می کنند. پرسید: هر قبیله چه تعدادند؟ فرمود: صد هزار ملک، پس آن حضرت رو به قبر به پشت خارج شدند، و در اثنای بیرون آمدن گفتند: یا جَدَّاهُ یا سَيِّداهُ، یا طَيِّبَاهُ یا طَاهِرَاهُ، لا جَعَلَهُ اللهُ آخَرَ

ای جدّم، ای آقایم، ای پاکیزه و پاکم، خدا این زیارت را آخرین زیارت من از

العَهْدِ مِنْكَ ، وَرَزَقْنِي الْعَوْدَ إِلَيْكَ ، وَالْمَقَامَ فِي حَرَمِكَ ،

تو قرار ندهد، و روزی من کند، بازگشت به سویت و ماندن در حرمت،

وَالْكُونَ مَعَكَ ، وَمَعَ الْأَبْرَارِ مِنْ وَلَدِكَ ؛ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى

و بودن با تو، و با نیکان از فرزندان را، درود خدا بر تو و بر

المَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ. صفوان گفت: به حضرت عرض

فرشتگانی که تو را دربر گرفته اند.

کردم اجازه می دهید اصحاب خود را از اهل کوفه خبر کنم، و این قبر را به ایشان نشان دهم؛ فرمود: آری، و درهمی چند به من عنایت کردند، که قبر را با آن مرمت

و اصلاح نمودم.

زیارت چهارم: در کتاب «مستدرک الوسائل» از «مزار قدیم» نقل کرده که از مولای ما امام باقر علیه السلام روایت شده: با پدرم به زیارت قبر جدّم امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف رفتیم، پدرم نزد قبر مطهرّ ایستاد و گریست و گفت:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ، وَخَلِيلِ النُّبُوَّةِ، وَالْمَخْصُوصِ

سلام بر پدر امامان و دوست نبوت، و خاصّ

بِالْأَخُوَّةِ؛ السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الْإِيمَانِ، وَمِيزَانِ الْأَعْمَالِ،

به برادری، سلام بر رئیس ایمان، و ترازوی اعمال،

وَسَيْفِ ذِي الْجَلَالِ؛ السَّلَامُ عَلَى صَالِحِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

و شمشیر خدای دارای بزرگی، سلام بر شایسته اهل ایمان، و وارث

عِلْمِ النَّبِيِّينَ، الْحَاكِمِ فِي يَوْمِ الدِّينِ؛ السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ التَّقْوَى؛

دانش پیامبران، حاکم در روز جزاء، سلام بر درخت تقوا،

السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ الْبَالِغَةِ، وَنِعْمَتِهِ السَّابِغَةِ، وَنَقْمَتِهِ

سلام بر حجّت رسای خدا، و نعمت کامل او، و انتقام

الدَّامِغَةِ؛ السَّلَامُ عَلَى الصِّرَاطِ الْوَاضِحِ، وَالنَّجْمِ اللَّائِحِ،

کوینده اش، سلام بر راه روشن، و ستاره فروزان،

وَالْإِمَامِ النَّاصِحِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. سپس گفت: أَنْتَ

و پیشوای خیر خواه، و رحمت و برکات خدا بر او باد.

وَسَيَّلْتَنِي إِلَى اللَّهِ وَذَرِيعَتِي، وَلِي حَقُّ مُوَالَاتِي وَتَأْمِيلِي، فَكُنْ

تویی وسیله و سببم به سوی خدا، و مراست حق دوستی و آرزومندی

لِي شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، فِي الْوُقُوفِ عَلَى قَضَائِ حَاجَتِي،

به درگاه خدای عز و جل، پس شفیع من باش در ایستادگی در بر آوردن حاجتم،

وَهِيَ فَكَأُ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ، وَاصْرِفْنِي فِي مَوْقِفِي هَذَا

و آن حاجت آزادی ام از آتش است، و مرا از این جایگاه با موقفت

بِالنُّجْحِ ، [وَا] بِمَا سَأَلْتُكَ كُلَّهُ بِرَحْمَتِهِ وَقُدْرَتِهِ. اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي

بازگردان، و بدست آوردن همه آنچه خواسته‌ام، به حق رحمت و قدرتش. خدا یا عقلی

عَقْلًا كَامِلًا ، وَلَبًّا رَاجِحًا ، وَقَلْبًا زَكِيًّا ، وَعَمَلًا كَثِيرًا ، وَادَبًا

کامل و مغزی ممتاز، و دلی پاک، و عملی بسیار، و ادبی برتر

بَارِعًا ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ لِي ، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ ؛ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ

نصیبم کن، و همه اینها را به سود من قرار ده نه بر زیانم، به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ.

مهربانان.

زیارت پنجم: شیخ کلینی از حضرت هادی علیه السلام روایت کرده

نزد قبر امیرمؤمنان علیه السلام می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ، أَنْتَ أَوَّلُ مَظْلُومٍ ، وَأَوَّلُ

سلام بر تو ای ولی خدا، تو نخستین ستم‌دیده‌ای،

مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ ، صَبَرْتَ وَاحْتَسَبْتَ حَتَّى آتَاكَ

و نخستین کسی که حقش غصب شد، صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی تا

الْيَقِينُ ، فَاشْهَدُ أَنَّكَ لَقِيتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ ، عَذَّبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ

مرگت رسید، شهادت می‌دهم که تو خدا را ملاقات کردی. درحالی که شهید بودی، عذاب کند خدا کشنده‌ات

بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ ، وَجَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ ، جِئْتُكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ ،

را به انواع عذاب، و بر او عذاب را تازه کند، به سویت آمدم، شناسای به حقت،

مُسْتَبْصِرًا بِشَأْنِكَ ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ وَمَنْ ظَلَمَكَ ، أَلْقَى عَلَى

و بینای به شأن‌ت، دشمن یا دشمنانت و آن‌که به تو ستم کرد، ان شاء الله بر

ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ ؛ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ، إِنَّ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً ، فَاشْفَعْ لِي

این عقیده پروردگارم را ملاقات کنم، ای ولی خدا، مرا گناهان زیادی است، از من

إِلَىٰ رَبِّكَ ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَّعْلُومًا ، وَإِنَّ لَكَ عِنْدَ

نزد پروردگارت شفاعت کن، که تو را پیش خدا جایگاه معلومی است، و تو را به درگاه

اللَّهِ جَاهًا وَشَفَاعَةً ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ

خدا آبرو و حق شفاعت است، و خدای تعالی فرموده است: و شفاعت نکنند جز برای کسی

ارْتَضَىٰ ۖ﴾.

که او پسندد.

زیارت ششم: زیارتی است که جماعتی از علما روایت کرده‌اند، از جمله آنها: شیخ محمد ابن مشهدی است، که فرموده است: محمد بن خالد طرابلسی، از سیف بن عُمیره روایت کرده است که گفت: با صفوان جمال و جمعی از اصحابمان به جانب نجف بیرون رفتیم، و در آنجا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کردیم، چون از زیارت فارغ شدیم، صفوان روی خود را به جانب قبر حضرت امام حسین علیه السلام برگرداند و گفت: زیارت می‌کنم حضرت حسین علیه السلام را در این مکان، از بالای سر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، آنگاه گفت: با امام صادق علیه السلام به اینجا آمدم و حضرت به این صورت زیارت نمود و نماز خواند، و دعا کرد، که من انجام می‌دهم، و فرمود: ای صفوان این زیارت را ضبط کن، و این دعا را بخوان، و همیشه حضرت امیرالمؤمنین و امام حسین علیه السلام را به این کیفیت زیارت

کن، که من بر خدا ضامنم که هر که ایشان را چنین زیارت کند، و این دعا را بخواند، خواه از نزدیک و خواه از دور، زیارتش پذیرفته، و عملش با اجر بوده، و سلامش به ایشان برسد، و نزد آنان پسندیده گردد، و حاجتهایش هرچند عظیم باشد برآورده شود. مؤلف گوید: بقیه این خبر، در فضل این عمل در دنباله دعای صفوان در زیارت عاشورا **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** خواهد آمد. و زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام به این کیفیت است: رو به قبر آن حضرت بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ ؛

سلام بر تو ای فرستاده خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى مَنْ اصْطَفَاهُ اللَّهُ ،

سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر کسی که خدا او را برگزیده و به خود

وَاخْتَصَّهِ ، وَاخْتَارَهُ مِنْ بَرِيَّتِهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللَّهِ مَا

مخصوصش گردانید، و او را از میان آفریدگانش اختیار کرد، سلام بر تو ای دوست خدا،

دَجَا اللَّيْلُ وَغَسَقَ ، وَأَضَاءَ النَّهَارُ وَأَشْرَقَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا

تا شب تاریک و ظلمانی شود، و روز روشن و نورانی گردد، سلام بر تو

صَمَتَ صَامِتٍ ، وَنَطَقَ نَاطِقٍ ، وَذَرَّ شَارِقٍ ، وَرَحِمَهُ اللَّهُ

تا آنگاه که ساکت شود ساکتی، و گویا گردد گویایی، و بتابد تابنده‌ای، و رحمت

وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ،

و برکات خدا بر تو باد، سلام بر مولای ما امیر مؤمنان علی بن ابیطالب،

صَاحِبِ السَّوَابِقِ ، وَالْمَنَاقِبِ وَالنَّجْدَةِ ، وَمُبِيدِ الْكَتَائِبِ ،

دارای سابقه‌های درخشان، و مناقب نیکو و مردانگی و نابودکننده لشگرهای کفر،

الشَّدِيدِ الْبَاسِ ، الْعَظِيمِ الْمِرَاسِ ، الْمَكِينِ الْآسَاسِ ، سَاقِي

سخت نبرد، زور آزمای بزرگ، ثابت پایه، ساقی

الْمُؤْمِنِينَ بِالْكَأْسِ مِنْ حَوْضِ الرَّسُولِ ، الْمَكِينِ الْآمِينَ.

مؤمنان با جام، از حوض رسول پابر جای امین.

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ النُّهْيِ ، وَالْفَضْلِ وَالطَّوَائِلِ ،

سلام بر دارنده خرد و برتری و احسانهای پیوسته،

وَالْمَكْرُمَاتِ وَالنَّوَائِلِ ؛ السَّلَامُ عَلَى فَارِسِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَلَيْثِ

و کرامات و عطاها. سلام بر قهرمان مؤمنان، و شیر

الْمُوحِّدِينَ ، وَقَاتِلِ الْمُشْرِكِينَ ، وَوَحْيِ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ،

یکتاپرستان، و کشنده مشرکان، و جانشین رسول پروردگار عالمیان،

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَيْدَهُ اللَّهُ بِجَبْرِئِيلِ ،

و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر کسی که خدا به جبرئیل تأییدش نمود،

وَأَعَانَهُ بِمِكَائِيلِ ، وَأَزْلَفَهُ فِي الدَّارَيْنِ ، وَحَبَاهُ بِكُلِّ مَا تَقَرَّبُ بِهِ

و به میکائیل کمکش کرد، و در دو جهان مقربش ساخت، و هر چه را مایه چشم روشنی است

الْعَيْنُ ؛ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَعَلَى أَوْلَادِهِ

به او عطا نمود، درود خدا بر او و بر اهل بیت پاکش، و بر فرزندان

الْمُتَنَجِّبِينَ ، وَعَلَى الْأَئِمَّةِ الرَّاشِدِينَ ، الَّذِينَ أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ ،

برگزیده‌اش، و بر امامان راه یافته، آنان که به معروف امر کردند،

وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَفَرَضُوا عَلَيْنَا الصَّلَوَاتِ ، وَأَمَرُوا بِإِتَاءِ

و از زشتی نهی نمودند، و نمازها را بر ما واجب فرموده، و ما را به پرداخت زکات

الزَّكَاةِ ، وَعَرَّفُونَا صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ ، وَقِرَاءَةَ الْقُرْآنِ.

امر کردند، و روزه ماه رمضان و قرائت قرآن را به ما شناساندند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَيَعْسُوبَ الدِّينِ ، وَقَائِدَ الْغُرِّ

سلام بر تو ای امیرالمؤمنین، و رئیس دین، و پیشرو

الْمُحْجَلِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ

سپیدرویان. سلام بر تو ای درگاه خدا، سلام بر تو ای دیده

النَّاظِرَةَ ، وَيَدَهُ الْبَاسِطَةَ ، وَأُذُنَهُ الْوَاعِيَةَ ، وَحِكْمَتَهُ الْبَالِغَةَ ،

نگرنده خدا، دست گشوده حق، و گوش شنوا، و نگهدارنده راز او، و حکمت رسا

وَنِعْمَتَهُ السَّابِغَةَ (وَنِقْمَتَهُ الدَّامِغَةَ) ؛ السَّلَامُ عَلَى قَسِيمِ الْجَنَّةِ

و نعمت کامل، و کیفر کوبنده اش، سلام بر بخش کننده بهشت

وَالنَّارِ ؛ السَّلَامُ عَلَى نِعْمَةِ اللَّهِ عَلَى الْأَبْرَارِ ، وَنِقْمَتِهِ عَلَى الْفَجَّارِ ؛

و دوزخ. سلام بر نعمت خدا به نیکان، و انتقامش علیه ناپاکان.

السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ الْأَخْيَارِ ؛ السَّلَامُ عَلَى أَخِي رَسُولِ اللَّهِ ،

سلام بر سرور پرهیزکاران بر گزیده. سلام بر برادر رسول خدا،

وَابْنِ عَمِّهِ ، وَزَوْجِ ابْنَتِهِ ، وَالْمَخْلُوقِ مِنْ طِينَتِهِ ؛ السَّلَامُ عَلَى

و پسر عمیش، و همسر دخترش، و آفریده شده از خمیرهاش. سلام بر

الْأَصْلِ الْقَدِيمِ ، وَالْفَرْعِ الْكَرِيمِ ؛ السَّلَامُ عَلَى الثَّمَرِ الْجَنِيِّ ؛

ریشه دیرین و شاخه کریم، سلام بر میوه چیده.

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ ؛ السَّلَامُ عَلَى شَجَرَةِ طُوبَى ، وَسِدْرَةِ

سلام بر ابو الحسن علی. سلام بر درخت طوبی سلام بر سدره

الْمُنْتَهَى . السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ ، وَنُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ ، وَابْرَاهِيمَ

المنتهی. سلام بر آدم برگزیده خدا، و نوح پیامبر خدا، و ابراهیم

خَلِيلِ اللَّهِ ، وَمُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ ، وَعِيسَى رُوحِ اللَّهِ ، وَمُحَمَّدٍ

دوست خدا، و موسی همسخن خدا، و عیسی روح خدا، و محمد

حَبِيبِ اللَّهِ ، وَمَنْ بَيْنَهُمُ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ ، وَالشَّهَدَاءِ

حبیب خدا، و کسانی که میان آنانند از پیامبران و صدیقان، و شهیدان،

وَالصَّالِحِينَ ، وَحَسَنَ أَوْلِيَّكَ رَفِيقًا. السَّلَامُ عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ ،

و شایستگان، و اینان نیکو دوستانی هستند. سلام بر نور نورها،

وَسَلِيلِ الْأَطْهَارِ ، وَعَنْصَرِ الْأَخْيَارِ ؛ السَّلَامُ عَلَى وَالِدِ الْأَئِمَّةِ

و عصاره پاکان، و عنصراهی برگزیده. سلام بر پدر امامان

الْأَبْرَارِ ؛ السَّلَامُ عَلَى حَبْلِ اللَّهِ الْمُتَيْنِ ، وَجَنْبِهِ الْمَكِينِ ، وَرَحْمَةِ

نیکوکار، سلام بر ريسمان محکم خدا، و طرف پا بر جای او، و رحمت

اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ ؛ السَّلَامُ عَلَى أَمِينِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَتِهِ ،

و برکات خدا بر او باد. سلام بر امین خدا بر روی زمینش، و جانشین،

وَالْحَاكِمِ بِأَمْرِهِ ، وَالْقَيِّمِ بَدِينِهِ ، وَالنَّاطِقِ بِحُكْمَتِهِ ، وَالْعَامِلِ

و حاکم به فرمانش، و سرپرست آئینش، و گویای به حکمتش، و عمل کننده

بِكِتَابِهِ ، أَخِ الرَّسُولِ وَزَوْجِ الْبَتُولِ ، وَسَيْفِ اللَّهِ الْمَسْلُوقِ .

به قرآنش، برادر رسول، و همسر بتول، و شمشیر از نیام بیرون آمده خدا.

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الدَّلَالَاتِ ، وَالآيَاتِ الْبَاهِرَاتِ ،

سلام بر صاحب دلیلهای، و نشانه های غالب،

وَالْمُعْجَزَاتِ الْقَاهِرَاتِ (الزَّاهِرَاتِ) ، وَالْمُنْجَى مِنَ الْهَلَكَاتِ ،

و معجزات چیره، و رهایی بخش از هلاکتها،

الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي مُحْكَمِ الْآيَاتِ ، فَقَالَ تَعَالَى : ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ

آن کسی که خدا در آیات محکم او را ذکر کرده و فرموده است: او در اصل

الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّي حَكِيمٌ﴾ . السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ ،

کتاب نزد ما علی حکیم است. سلام بر نام پسندیده خدا،

وَوَجْهِهِ الْمُضِيِّ ، وَجَنْبِهِ الْعَلِيِّ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛ السَّلَامُ

و چهره تابان او، و طرف والايش، و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام

عَلَى حُجَجِ اللَّهِ وَأَوْصِيَائِهِ ، وَخَاصَّةِ اللَّهِ وَأَصْفِيَائِهِ ،

بر حجت های خدا، و جانشینانش و خاصان خدا و برگزیدگان،

وَخَالِصَتِهِ وَأَمَنَائِهِ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛ قَصْدْتُكَ يَا

و بندگان خالص و امینانش، و رحمت و برکات خدا بر آنان باد، قصد تو کردم ای

مَوْلَايَ ، يَا أَمِينَ اللَّهِ وَحُجَّتَهُ ، زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكَ ، مُوَالِيًا

مولای من، ای امین خدا و حجتش در حالی که زائر، و به حقت عارفم، و با دوستان

لِأَوْلِيَائِكَ ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ ، مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِزِيَارَتِكَ ، فَاشْفَعْ

دوستانم، و با دشمنان دشمنم، به وسیله زیارتت متقرب به خدایم،

لِي عِنْدَ اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ ، فِي خَلَاصِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ ، وَقَضَاءِ

پس مرا نزد خدا پروردگارم و پروردگارت شفاعت کن، در خلاص شدنم از آتش و برآورده شدن

حَوَائِجِ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

حاجاتم، حاجات دنیا و آخرت.

پس خود را به قبر بچسبان، و آن را ببوس، و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْمُسْلِمِينَ لَكَ بِقُلُوبِهِمْ

سلام خدا و فرشتگان مقربش و آنان که به دلهایشان تسلیم تواند،

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَالنَّاطِقِينَ بِفَضْلِكَ، وَالشَّاهِدِينَ عَلَى أَنَّكَ

ای امیر مؤمنان و آنان که گویای به برتری تو هستند، و شاهد بر اینکه تو

صَادِقٌ، أَمِينٌ صَدِيقٌ، عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ

صادق و امین و صدیقی، این سلامها و رحمت و برکات خدا بر تو باد، شهادت می‌دهم

طَهَرٌ طَاهِرٌ مُطَهَّرٌ، مِنْ طَهْرٍ طَاهِرٍ مُطَهَّرٍ؛ أَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ

که تو پاک‌طینت و پاک و پاکیزه‌ای، از پدران و مادران پاک‌طینت و پاک و پاکیزه، برای تو شهادت می‌دهم ای ولی

اللَّهِ وَوَلِيَّ رَسُولِهِ، بِالْبَلَاغِ وَالْأَدَاءِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ جَنْبُ اللَّهِ

خدا، و ولی رسول خدا به رساندن حق و ادای تکلیف، و شهادت می‌دهم که تویی شیفته خدا،

وَبَابُهُ، وَأَنَّكَ حَبِيبُ اللَّهِ، وَوَجْهُهُ الَّذِي يُؤْتِي مِنْهُ، وَأَنَّكَ

و درگاه رحمت او، و اینکه تو محبوب خدا، و جلوه او هستی که از آن جانب به سوی او آیند، و تو

سَبِيلُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ عَبْدُ اللَّهِ، وَآخُو رَسُولِهِ (رَسُولِ اللَّهِ)، صَلَّى

راه خدایی، و بنده خدا و برادر رسول خدا هستی،

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِزِيَارَتِكَ، رَاغِبًا

به سوی تو آمدم تا به وسیله زیارتت به خدا تقرب جویم مشتاق

إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أَبْتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ،

به توام در شفاعت، به شفاعتت آزادی‌ام را از آتش طلب می‌کنم،

مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنَ النَّارِ، هَارِبًا مِنْ ذُنُوبِي، الَّتِي احْتَطَبْتُهَا عَلَى

به تو از دوزخ پناهنده‌ام، از گناهانم که بر پشتم بار کرده‌ام گریزانم،

ظَهْرِي، فَزِعًا إِلَيْكَ رَجَاءَ رَحْمَةِ رَبِّي؛ أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ يَا

به امید رحمت پروردگار به تو پناه آوردم آمده‌ام تا تو را شفیع خود قرار دهم

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیا

مَوْلَايَ ، وَاتَّقَرَّبُ بِكَ إِلَى اللَّهِ ، لِيَقْضَى بِكَ حَوَائِجِي ، فَاشْفَعْ

ای مولایم، و به خدا تقرب جویم، تا حاجاتم را برآورد، ای امیر مؤمنان

لِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى اللَّهِ ، فَإِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَمَوْلَاكَ وَزَائِرُكَ ،

به پیشگاه خدا برایم شفاعت کن، من بنده خدا و غلام و زائر توام،

وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ ، وَالشَّاتُ

و برای تو نزد خدا مقام پسندیده و منزلتی بزرگ و شأن

الْكَبِيرُ ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

والا، و شفاعت پذیرفته است. خدا یا بر محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ ، وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، عَبْدِكَ الْمُتَرْضَى ، وَآمِينَكَ

محمد درود فرست، و درود فرست بر امیر مؤمنان بنده پسندیده‌ات، و آمین

الْأَوْفَى ، وَعُزْرَتِكَ الْوُثْقَى ، وَيَدِكَ الْعُلْيَا ، وَجَنِبِكَ الْأَعْلَى ،

وفادار تر، و دست آویز محکم، و دست برتر، و سویه والایت،

وَكَلِمَتِكَ الْحُسْنَى ، وَحُجَّتِكَ عَلَى الْوَرَى ، وَصِدِّيقَكَ

و کلمه نیکوتر، و حجت بر مردم، و صدیق

الْأَكْبَرُ ، وَسَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ ، وَرُكْنِ الْأَوَّلِيَاءِ ، وَعِمَادِ الْأَصْفِيَاءِ ،

اکبر، و سرور جانشینان، و رکن اولیا، و تکیه گاه اصفیا،

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَيَعْسُوبِ الدِّينِ ، وَقُدْوَةِ الصَّالِحِينَ ، وَإِمَامِ

امیر مؤمنان، و رئیس دین، و مقتدای شایستگان و امام

الْمُخْلِصِينَ ، الْمَعْصُومِ مِنَ الْخَلَلِ ، الْمُهَذَّبِ مِنَ الزَّلَلِ ، الْمُطَهَّرِ

مخلصان، معصوم از نارواییها، پاک از لغزشها، پاکیزه

مِنَ الْعَيْبِ ، الْمُنَزَّهِ مِنَ الرَّيْبِ ، أَخِي نَبِيِّكَ ، وَوَصِيِّ رَسُولِكَ ،

از عیب، منزّه از شک، منزه از ریب، برادر پیامبرت، و جانشین رسالت،

أَلْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِهِ ، وَالْمُوَاسِي لَهُ بِنَفْسِهِ ، وَكَاشِفِ الْكَرْبِ

به صبح رساننده شب هجرت در خوابگاهش، و کمک دهنده به او با دل و جان، و برطرف کننده اندوه

عَنْ وَجْهِهِ ، الَّذِي جَعَلَتْهُ سَيْفًا لِنُبُوتِهِ ، وَآيَةً لِرِسَالَتِهِ ،

از چهره اش، آن که او را قرار دادی شمشیر، و نشانه ای برای رسالتش

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام

وَشَاهِدًا عَلَى أُمَّتِهِ ، وَدِلَالَةً عَلَى حُجَّتِهِ ، وَحَامِلًا لِرَايَتِهِ ،

و گواهی بر امتش، و دلیلی بر حجتش، و حمل کننده پرچمش،

وَوَقَايَةً لِمُهْجَتِهِ ، وَهَادِيًا لِأُمَّتِهِ ، وَيَدًا لِبَاسِهِ ، وَتَاجًا لِرَأْسِهِ ،

و سپری برای جانش، و راهنمایی برای ملتش، و نیرویی برای جنگش، و تاجی بر سرش،

وَبَابًا لِسِرِّهِ ، وَمِفْتَاحًا لِظَفَرِهِ ، حَتَّى هَزَمَ جُيُوشَ الشَّرِكِ

و دری برای رازش، و کلیدی برای پیروزی اش، تا جایی که سپاه شرک را

بِإِذْنِكَ ، وَأَبَادَ عَسَاكِرَ الْكُفْرِ بِأَمْرِكَ ، وَبَذَلَ نَفْسَهُ فِي

به اجازه تو شکست داد، و ارتشهای کفر را به دستور نابود کرد، و جانش را در

مَرْضَاةِ رَسُولِكَ ، وَجَعَلَهَا وَقْفًا عَلَى طَاعَتِهِ ، فَصَلِّ اللَّهُمَّ

خشنودی رسولت بخشید، و آن را وقف طاعتت نمود، پس درود فرست خدا یا

عَلَيْهِ صَلَاةً دَائِمَةً بَاقِيَةً. سِپِسْ بَگُو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ ،

بر او، درودی همیشگی و ماندگار. سلام بر تو ای ولی خدا،

وَالشَّهَابَ الثَّاقِبَ ، وَالنُّورَ الْعَاقِبَ ، يَا سَلِيلَ الْأَطَائِبِ ، يَا سِرَّ

و ستاره و نور جانشین، ای خلاصه پاکان، ای راز

اللَّهِ ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ تَعَالَى ذُنُوبًا قَدْ أَثْقَلَتْ ظَهْرِي ،

خدا، به درستی که میان من و خدا گناهانی است که پشتم را سنگین کرده،

وَلَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاهُ ، فَبِحَقِّ مَنْ اِئْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ ،

و بر آنها بخشودگی نمی آید جز خشنودی او، پس به حق کسی که تو را بر رازش امین دانست،

وَاسْتَرَعَاكَ أَمَرَ خَلْقِهِ ، كُنْ لِي إِلَى اللَّهِ شَفِيعًا ، وَمِنْ النَّارِ

و سرپرستی کار بندگانش را از تو خواست، مرا به درگاه خدا شفیع باش، و از آتش

مُجِيرًا ، وَعَلَى الدَّهْرِ ظَهِيرًا ، فَإِنِّي عَبْدُ اللَّهِ وَوَلِيُّكَ وَزَائِرُكَ ؛

پناه ده، و از حوادث روزگار پشت و پناه باش، که من بنده خدا و دوست و زائر تو هستم،

صَلِّ اللَّهُ عَلَيْكَ. پس شش رکعت نماز زیارت به جای آر،

درود خدا بر تو باد.

و هر دعا که خواستی بخوان، و بعد از آن بگو:

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللَّهِ، أَبَدًا

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، از جانب من، همیشه سلام خدا بر

ما بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. پس اشاره کن و به سوی قبر

تو باد، تا باقی ام و شب و روز باقی است.

امام حسین علیه السلام متوجه شو و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أبا عَبْدِ

سلام بر تو ای ابا عبدالله،

اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ؛ أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا، وَمُتَوَسِّلًا

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، زائر به سوی شما دو بزرگوار آمده‌ام، متوسطل

إِلَى اللَّهِ تَعَالَى رَبِّي وَرَبِّكُمَا، وَ مُتَوَجِّهًا إِلَى اللَّهِ بِكُمَا،

به خدا پروردگار من و پروردگار شما هستم، به وسیله شما متوجه به خدایم،

و مُسْتَشْفِعًا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي هَذِهِ. و بخوان تا آخر

و به مقام شما به درگاه خدا در این حاجتم شفاعت می‌طلبم.

دعای صفوان «أَنْتَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ»؛ سپس رو به قبله کن و

بخوان از اول دعای: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةٍ

ای خدا، ای خدا، ای خدا، ای اجابت کننده دعای

الْمُضْطَرِّينَ، وَ يَا كَاشِفَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ وَ اصْرِفْنِي

ناچاران، ای برطرف کننده اندوه اندوهناکان، مرا بازگردان

بِقَضَائِ حَاجَتِي، وَ كِفَايَةِ مَا أَهَمَّنِي هَهُنَا، مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ

با برآوردن حاجتم و کفایت آنچه به اندیشه‌ام انداخته اندیشه‌اش، از امر دنیا

وَ آخِرَتِي؛ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس روی به جانب قبر

و آخرتم، ای مهربان‌ترین مهربانان.

امیرمؤمنان علیه السلام کن و بگو: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای امیر مؤمنان،

وَالسَّلَامُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ، مَا بَقِيْتُ وَبَقِيَ اللَّيْلُ

و سلام بر ابی عبد الله الحسین تا زنده‌ام، و شب

وَالنَّهَارُ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَقَ

و روز باقی است، خدا این زیارت من را آخر عهد منی زیارت شما قرار ندهد،

اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا. مؤلف گوید: پیش از این ذکر شد که

و بین من و شما جدایی نیندازد.

دعای صفوان همان دعایی است که به دعای علقمه مشهور شده، و ذکر آن در زیارت روز عاشورا [صفحه ۱۱۲۲] بیاید
إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

زیارت هفتم: زیارتی است که سید ابن طاووس در کتاب «مصباح الزائر» نقل کرده، به این صورت که «باب السلام» را قصد کن، باب السلام درگاه روضه مقدسه امیرمؤمنان است که ضریح مقدس از آنجا دیده می شود، پس سی و چهار مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، آنگاه زیارت را به این کیفیت ادامه بده:

سَلَامُ اللَّهِ وَسَلَامُ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ،

سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش، و انبیای مرسلش،

وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ، [وَجَمِيعِ الشَّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ]، عَلَيْكَ

و بندگان شایسته اش و همه شهیدان و صدیقان بر تو

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى نُوحٍ

ای امیر مؤمنان، سلام بر آدم برگزیده خدا، سلام بر نوح

نَبِيِّ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ

پیامبر خدا، سلام بر ابراهیم دوست خدا، سلام بر موسی همسخن

اللَّهُ؛ السَّلَامُ عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ

خدا، سلام بر عیسی روح خدا، سلام بر محمد حبیب

اللَّهُ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ، وَوَجْهِهِ

خدا، و رحمت و برکاتش بر آنان باد. سلام بر نام پسندیده خدا، و جمال

الْعَلِيِّ، وَصِرَاطِهِ السَّوِيِّ؛ السَّلَامُ عَلَى الْمُثَدِّبِ الصَّفِيِّ؛

والا، و راه مستقیمش، سلام بر پیراسته برگزیده،

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛

سلام بر ابو الحسن علی بن ابیطالب و رحمت و برکات خدا بر او باد.

السَّلَامُ عَلَى خَالِصِ الْأَخْلَاءِ؛ السَّلَامُ عَلَى الْمُخْصُوصِ بِسَيِّدَةِ

سلام بر خالص دوستان صمیمی، سلام بر اختصاص یافته به سرور

النِّسَاءِ؛ السَّلَامُ عَلَى الْمَوْلُودِ فِي الْكَعْبَةِ، الْمُزَوَّجِ فِي السَّمَاءِ؛

زنان، سلام بر ولادت یافته در کعبه، و تزویج شده در آسمان،

السَّلَامُ عَلَى أَسَدِ اللَّهِ فِي الْوَعْيِ؛ السَّلَامُ عَلَى مَنْ شَرِّفَتْ بِهِ

سلام بر شیر خدا در میدان کارزار، سلام بر کسی که مکه و منی به او

مَكَّةُ وَمِنَى؛ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْحَوْضِ وَحَامِلِ اللَّوَاءِ؛

شرافت یافت، سلام بر صاحب حوض، و حمل کننده پرچم توحید،

السَّلَامُ عَلَى خَامِسِ أَهْلِ الْعَبَاءِ؛ السَّلَامُ عَلَى الْبَائِتِ عَلَى فِرَاشِ

سلام بر پنجمین نفر اهل عبا، سلام بر صبح رساننده شب هجرت در بستر

النَّبِيِّ، وَمُفْدِيهِ بِنَفْسِهِ مِنَ الْأَعْدَاءِ؛ السَّلَامُ عَلَى قَالِعِ بَابِ

پیامبر، و فداکننده جانش برای جان او در برابر دشمنان، سلام بر کننده در

خَيْبَرَ، وَالْدَّاحِي بِهِ فِي الْفَضَاءِ؛ السَّلَامُ عَلَى مُكَلِّمِ الْفَتِيَةِ فِي

خیبر، و پرتاب کننده آن به هوا، سلام بر سخنگوی با اصحاب کهف در

كَهْفِهِمْ بِلِسَانِ الْأَنْبِيَاءِ؛ السَّلَامُ عَلَى مُنْبِعِ الْقَلِيبِ فِي الْفَلَا؛

غارشان به زبان پیامبران سلام بر جوشاننده آب چاه در بیابان بی آب و گیاه،

السَّلَامُ عَلَى قَالِعِ الصَّخْرَةِ، وَقَدْ عَجَزَ عَنْهَا الرِّجَالُ الْأَشْدَّاءُ؛

سلام بر کننده سنگ سخت، که مردان تنومند از کندش عاجز شدند،

السَّلَامُ عَلَى مُحَاطِبِ الثُّعْبَانِ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ ، بِلِسَانِ

سلام بر سخنگوی با ازدها بالای منبر کوفه بازبان

الْفُصْحَاءِ ؛ السَّلَامُ عَلَى مُحَاطِبِ الذَّنْبِ ، وَمُكَلِّمِ الْجُمُجُمَةِ

فصیحان، سلام بر خطاب کننده به گرگ و گفتگو کننده با جمجمه مرده

بِالنَّهْرَوَانِ ، وَقَدْ نَخَرَتِ الْعِظَامُ بِالْيَلَا ؛ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ

در نهروان، درحالی که استخوانها از روی کهنگی تکه تکه شده بود، سلام بر صاحب

الشَّفَاعَةِ فِي يَوْمِ الْوَرَى ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ . السَّلَامُ عَلَى

شفاعت در روز قیامت، و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر

الإمام الزَّكِيِّ حَلِيفِ الْمِحْرَابِ ؛ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْمُعْجَزِ

امام پاکیزه، هم پیمان با محراب عبادت، سلام بر صاحب معجزه

الْبَاهِرِ ، وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصَّوَابِ ؛ السَّلَامُ عَلَى مَنْ عِنْدَهُ

چیره، و گویای به حکمت و سخن درست، سلام بر کسی که

تَأْوِيلُ الْمُحْكَمِ وَالْمُتَشَابِهِ ، وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ؛ السَّلَامُ عَلَى مَنْ

تاویل محکم و متشابه نزد اوست، و اصل کتاب پیش اوست، سلام بر کسی

رُذِّتَ عَلَيْهِ الشَّمْسُ حِينَ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ؛ السَّلَامُ عَلَى مُحْيِي

که آفتاب برای او بازگشت، هنگامی که غروب کرده بود، سلام بر زنده دارنده

اللَّيْلِ الْبَهِيمِ بِالتَّهَجُّدِ وَالْإِكْتِيَابِ ؛ السَّلَامُ عَلَى مَنْ خَاطَبَهُ

شب تاریک به عبادت و اندوه، سلام بر کسی که بدون شک

جَبْرِئِيلُ بِأَمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ بِغَيْرِ ارْتِيَابٍ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛

جبرئیل او را به لقب امیرالمؤمنین خطاب کرد، و رحمت و برکات خدا بر او باد.

السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ السَّادَاتِ ؛ السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْمُعْجَزَاتِ ؛

سلام بر امیر مؤمنان، سلام بر سرور جانشینان، سلام بر آقای آقایان، سلام بر صاحب معجزات،

السَّلَامُ عَلَى مَنْ عَجَبَ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي الْحُرُوبِ ، مَلَائِكَةُ سَبْعِ

سلام بر کسی که فرشتگان هفت آسمان از حملاتش در جنگها

سَمَاوَاتٍ ؛ السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَجَّى الرَّسُولَ ، فَقَدَّمَ بَيْنَ يَدَي نَجْوَاهُ

تعجب کردند، سلام بر کسی که با پیامبر گفتگوی پنهانی کرد، و پیشاپیش گفتار پنهانش

صَدَقَاتٍ ؛ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْجِيُوشِ وَصَاحِبِ الْغَزَوَاتِ ؛

صدقه ها داد، سلام بر فرمانده لشگرها، و صاحب جنگها،

السَّلَامُ عَلَى مُخَاطَبِ ذَنْبِ الْفَلَوَاتِ ؛ السَّلَامُ عَلَى نُورِ اللَّهِ فِي

سلام بر خطاب کننده به گرگ بیابانها، سلام بر نور خدا در

الظُّلُمَاتِ ؛ السَّلَامُ عَلَى مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ ، فَقَضَى مَا فَاتَهُ

تاریکیها سلام بر کسی که خورشید برایش بازگشت، در نتیجه نماز از دست

مِنَ الصَّلَاةِ ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛ السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ؛

رفته اش را ادا کرد، و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر امیر مؤمنان،

السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ ؛ السَّلَامُ عَلَى إِمَامِ الْمُتَّقِينَ ؛

سلام بر سرور جانشینان، سلام بر پیشوای پرهیزگاران،

السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ ؛ السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ ؛

سلام بر وارث دانش انبیا، سلام بر رئیس دین،

السَّلَامُ عَلَى عِصْمَةِ الْمُؤْمِنِينَ ؛ السَّلَامُ عَلَى قُدْوَةِ الصَّادِقِينَ ،

سلام بر نگهدار مؤمنان، سلام بر مقتدای اهل صدق،

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ؛ السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْأَبْرَارِ ؛ السَّلَامُ عَلَى أَبِي

و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر حجت نیکان، سلام بر پدر

الْأَيْمَةِ الْأَطْهَارِ ؛ السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِذِي الْفَقَارِ ؛ السَّلَامُ

امامان پاک، سلام بر اختصاص یافته به شمشیر ذو الفقار، سلام

عَلَى سَاقِي أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

بر ساقی دوستانش از حوض پیامبر مختار، (درود خدا بر او و خاندانش باد)

مَا أَطْرَدَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ ؛ السَّلَامُ عَلَى النَّبَا الْعَظِيمِ ؛ السَّلَامُ عَلَى

تا شب و روز از پی هم در آید، سلام بر خبر بزرگ، سلام بر کسی

مَنْ أُنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ ، ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلٌّ حَكِيمٌ﴾ ؛

که خدا در حقش این آیه را نازل کرد: به راستی در اصل کتاب نزد ما علی حکیم است،

السَّلَامُ عَلَى صِرَاطِ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ ؛ السَّلَامُ عَلَى الْمُنْعَوْتِ فِي

سلام بر راه راست خدا، سلام بر وصف شده در

التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

تورات و انجیل و قرآن حکیم و رحمت و برکات خدا بر او باد.

پس خود را بر ضریح می چسبانی و آن را می بوسی

و می گویی: یا آمینَ الله، یا حُجَّةَ الله، یا وَلِيَّ الله، یا صِرَاطَ

ای امین خدا، ای حجت خدا، ای ولی خدا، ای راه

الله، زَارَكَ عَبْدُكَ، وَوَلِيَّتِكَ اللَّائِذُ بِقَبْرِكَ، [وَالْمُتَيْخُ رَحْلَهُ

خدا، زیارت کرد تو را بنده و دوست، آن که به قبرت پناه آورده، و بار حاجاتش را

بِفَنَائِكَ، اَلْمُتَقَرِّبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَالْمُسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى اللَّهِ،

به درگاهت افکنده، به وسیله تو تقرب جوی، و شفیع خواه به درگاه خداست،

زِيَارَةَ مَنْ هَجَرَ فِيكَ صَحْبَهُ، وَجَعَلَكَ بَعْدَ اللَّهِ حَسْبَهُ؛ أَشْهَدُ

زیارتش کسی است که به خاطر تو دست از رفیقان شسته، و تو را پس از خدا برای خویش کافی دانسته، شهادت

أَنَّكَ الطَّوْرُ وَالْكِتَابُ الْمَسْطُورُ، وَالرِّقُّ الْمَنْشُورُ، وَبَحْرُ الْعِلْمِ

می دهم که تو طور و کتاب مسطور و ورق گشوده و دریای جوشان

الْمَسْجُورُ؛ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنَّ لِكُلِّ مَزُورٍ عِنَايَةً فِيمَنْ زَارَهُ،

دانشی، ای ولی خدا برای هر زیارت شده ای نسبت به کسی که او را زیارت کرده،

وَقَصْدَهُ وَآتَاهُ، وَأَنَا وَلِيَّتُكَ، وَقَدْ حَطَّطْتُ رَحْلِي بِفَنَائِكَ،

و قصد او را نموده و به زیارت وی آمده عنایتی است، و من دوست توام، و بارم را به درگاهت فرود آورده ام،

وَلَجَأْتُ إِلَى حَرَمِكَ، وَلَذْتُ بِضَرْيَحِكَ لِعِلْمِي بِعَظِيمِ مَنَزِلَتِكَ،

و به حرمت پناهنده شده ام، و به پناه ضریحت آمده ام، به خاطر آگاهی ام به بزرگی مقامت،

وَشَرَفِ حَضْرَتِكَ، وَقَدْ أَثْقَلَتِ الذُّنُوبُ ظَهْرِي، وَمَنْعَتْنِي

و شرافت پیشگاهت، درحالی که گناهان پشتم را سنگین کرده، و خواهم را

رُقَادِي، فَمَا أَجِدُ حِرْزًا وَلَا مَعْقِلًا، وَلَا مَلْجَأًا إِلَّا إِلَيْهِ إِلَّا اللَّهُ

در ربوده، در نتیجه پناهگاه و جای امن و ملجای نمی یابم که به آن پناه برم جز به خدای

تَعَالَى، وَتَوَسَّلْتُ بِكَ إِلَيْهِ، وَاسْتَشْفَاعِي بِكَ لَدَيْهِ، فَهَذَا أَنَا ذَا نَازِلٍ

تعالی، و توسل به وسیله تو به درگاهش، و شفاعت خواهی ام به تو در پیشگاهش، اینک همانم که به درگاهت

زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام

بِفَنَائِكَ ، وَلَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهٌ عَظِيمٌ ، وَمَقَامٌ كَرِيمٌ ، فَاشْفَعْ لِي

فروود آمده‌ام، و تو را نزد خدا منزلت بزرگ و مقام کریم است، پس نزد خدا

عِنْدَ [اللَّهِ] رَبِّكَ؛ يَا مَوْلَايَ . پس ضریح را ببوس، و رو به

شفیع من باش ای مولای من.

جَانِبِ قَبْلِهِ كُنْ وَ بَكُو: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ يَا اَسْمَعَ

خدا یا به پیشگاهت تقرب می‌جویم، ای شنواترین

السَّامِعِينَ ، وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ ، وَيَا

شنوایان، ای بیناترین بینایان، ای سریع‌ترین حساب‌رسان، ای

أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ ، بِمُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ ، رَسُولِكَ إِلَى

بخشنده‌ترین بخشنندگان، به محمد خاتم پیامبران فرستاده‌ات به جانب

الْعَالَمِينَ ، وَبِأَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ ، الْأَنْزَعَ الْبَطِينِ ، الْعَالِمِ الْمُبِينِ ، عَلِيٍّ

جهانیان، و به برادر و پسر عمویش، آن فراخ‌سینه، و عالم‌آشکارکننده، علی

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، وَالْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ ، الْأِمَامِينَ الشَّهِيدِينَ ،

امیر مؤمنان، و حسن و حسین و دو امام شهید،

وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، زَيْنِ الْعَابِدِينَ ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ، بِأَقْرَبِ عِلْمٍ

و به علی بن الحسین زین العابدین، و به محمد بن علی و به علی بن دانش

الْأَوَّلِينَ ، وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ، زَكِيِّ الصِّدِّيقِينَ ، وَبِمُوسَى بْنِ

پیشینیان، و به جعفر بن محمد آن پاکیزه گروه صدیقان، و به موسی بن

جَعْفَرٍ ، الْكَاطِمِ الْمُبِينِ ، وَحَبِيسِ الظَّالِمِينَ ، وَبِعَلِيِّ بْنِ

جعفر فرو برنده خشم، و نمایان‌کننده حق، و زندانی ستمکاران، و به علی بن

مُوسَى الرِّضَا الْأَمِينِ ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجَوَادِ ، عَلَمِ الْمُهْتَدِينَ ،

موسی الرضا امین، و به محمد بن علی جواد و به محمد بن راه‌یافتگان،

وَبِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ ، الْبَرِّ الصَّادِقِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ ، وَبِالْحُسَيْنِ بْنِ

و به علی بن محمد آن نیکوکار صادق، سرور عبادت‌کنندگان، و به حسن بن

عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ ، وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ ، وَبِالْخَلْفِ الْحُجَّةِ صَاحِبِ

علی عسگری، زمامدار مؤمنان، و به یادگار بزرگوار، آن حجت صاحب

الْأَمْرِ ، مُظْهِرِ الْبَرَاهِينِ ، أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْهُمُومِ ،

امر، و آشکار کننده دلایل روشن، که اندوه‌های مرا برطرف کنی،

وَتَكْفِينِنِي شَرَّ الْبَلَاءِ الْمُحْتَوِمِ ، وَتَجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ ؛

و بلای حتمی را از من کفایت کنی، و از آتشی که دارای بادهای پر حرارت زهراگین است مرا پناه دهی،

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . پس برای هر چه بخواهی دعا

به مهربانی‌ات ای مهربان‌ترین مهربانان.

کن و آن حضرت را وداع کن و بازگرد.

مؤلف گوید: سید عبد الکریم بن طاووس در کتاب «فرحة الغری» روایت کرده: حضرت زین العابدین علیه السلام به شهر کوفه آمد، و وارد مسجد کوفه شد، ابو حمزه ثمالی که از زاهدان اهل کوفه و از بزرگان آن منطقه بود، در مسجد حضور داشت، امام سجّاد علیه السلام دو رکعت نماز بجا آورد، ابو حمزه گفت: لهجه‌ای پاکیزه‌تر از لهجه او شنیدم، نزدیک او رفتم تا بشنوم چه می‌گوید، شنیدم می‌گوید: اِلٰهِيْ اِنْ

معبود من

[كُنْتُ] قَدْ عَصَيْتُكَ، فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ.

اگر تو را نافرمانی کرده‌ام در عوض تو را در محبوبترین چیزها به پیشگاهت اطاعت کرده‌ام.

و این دعایی است معروف.

مؤلف گوید: ذکر این دعا پس از این در اعمال مسجد کوفه بیاید، و نیز ذکر این مطلب هم بیاید که ابو حمزه گفت: آن بزرگوار کنار ستون هفتم آمد، و نعلین خود را از پا درآورد

و ایستاد، و دستها را تا برابر گوش برداشت و تکبیر گفت، که تمام موهای بدنم از ترس آن راست شد، پس چهار رکعت نماز خواند، و رکوع و سجودش را نیکو انجام داد، آنگاه این دعا را خواند: « اِلٰهٰی اِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ... » تا آخر دعا. موافق روایت چند سطر قبل ابو حمزه گفت: آن بزرگوار پس از دو رکعت نماز و دعا از جای برخاست و بیرون رفت، من تا مناخ کوفه، مکانی که شتران را در آنجا می خوابانند دنبال آن حضرت رفتم، در آنجا غلام سیاهی دیدم که شتر گزیده و ناقه ای با اوست، به او گفتم ای سیاه این مرد کیست؟ گفت: از سیما و شمایلش او را نشناختی؟! او علی بن الحسین علیه السلام است. ابو حمزه گفت: خود را به روی قدمهای آن حضرت انداختم و آنها را بوسیدم، آن جناب مانع ادامه این عمل شد و با دست مبارک خود سر مرا بلند کرد و فرمود: این کار را مکن، سجده جز برای خدای عزّ و جلّ نشاید، گفتم: یابن رسول الله برای چه اینجا آمده اید؟ فرمود: برای آنچه دیدی، یعنی نماز در مسجد کوفه، اگر مردم بدانند چه فضیلتی در آن است، به سویش بیایند، گرچه به روش کودکان خود را به زمین کشند، یعنی راه رفتن برای ایشان هرچند در نهایت سختی باشد، مانند

اطفالی که هنوز راه نیفتاده‌اند و نشسته حرکت می‌کنند. سپس فرمود: آیا میل داری با من قبر جدّم علی بن ابیطالب علیه السلام را زیارت کنی؟ گفتم آری، حضرت حرکت کرد، و من در سایه ناقه او بودم، و مرا حدیث می‌فرمود، تا به غرّین رسیدیم، و آن بقعه‌ای بود سپید، که نورش می‌درخشید، آنگاه از مرکبش پیاده شد، و دو طرف روی خود را بر آن زمین نهاد و فرمود: ای ابا حمزه این قبر جدّم من علی بن ابیطالب علیه السلام است، پس زیارت کرد آن حضرت را به زیارتی که اول آن «السَّلامُ عَلَى اسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، وَنورِ وَجْهِهِ الْمُضِيِّ» است، پس با آن قبر مطهرّ وداع کرد، و به سوی مدینه رفت و من به جانب کوفه برگشتم. مؤلف گوید: از اینکه سیّد این زیارت را در کتاب «فرحة الغرّی» ذکر نکرده است تأسّف می‌خوردم و در جستجوی آن بودم، تا یک‌یک زیاراتی که برای حضرت امیر علیه السلام نقل شده بود ملاحظه کردم، زیارتی که در ابتدای آن این دو جمله باشد نیافتم، مگر این زیارت شریف که جمله اوّلش موافق است و جمله دوّم مخالف [در اوائل زیارت هفتم به این صورت است: «السَّلامُ عَلَى اسمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ وَوَجْهِهِ الْعَلِيِّ» و شاید این زیارت که سیّد دو جمله‌اش را نقل کرده همان زیارت باشد، و این

اختلاف اندک چندان اهمیتی ندارد. اگر بگویی اوّل این زیارت: «سَلَامُ اللَّهِ وَ سَلَامٌ مَلَائِكَتِهِ» است و نه: «السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ»؛ گوئیم: اوّل زیارت همان «السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ» است، و سلامهای سابق به منزله اذن دخول و طلب رخصت است، و شاهد بر این مطلب، مطابقت داشتن این زیارت است با زیارت روز مولود، که کمال شباهت را با هم دارند، به آنجا رجوع کن تا بر تو معلوم گردد، و نیز آگاه باش در زیارت ششم «السَّلَامُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ الرَّضِيِّ وَ وَجْهِهِ الْمُضِيِّ» و زیارت روز مولود، این جمله بدون لفظ نور است ولی نه در اول زیارت بلکه در اواخر زیارت ششم و اوایل زیارت هفتم. والله العالم. در هر صورت از تمام زیارات مطلقه همین هفت زیارت را که نقل کردیم کافی است اگر کسی بیش از این بخواهد زیارات جامعه را بخواند، و نیز زیارت مبسوطی که پس از این برای روز غدیر نقل می کنیم قرائت کند، زیرا به خواندن آن زیارت در هر زمان، و هر کجا که شخص قرار داشته باشد، روایت وارد شده و باید زیارت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام و نماز در آن حرم مطهر را غنیمت شمرد، زیرا نماز نزد آن بزرگوار برابر دویست هزار نماز است. از حضرت صادق علیه السلام روایت شده: هر که امام واجب الطاعة را زیارت کند، و

زیارت و دعای مہیک المؤمنین علیہ السلام

نزد او چهار رکعت نماز بخواند، برای او حجّ و عمره نوشته می شود، و ما در کتاب «هدیة الزائرین» به فضیلت مجاورت قبر امیرمؤمنان علیہ السلام اشاره کردیم، ولی به شرط آنکه مجاور حق جوار آن حضرت را رعایت کند، و این کار بسیار مشکلی است، که برای هرکسی ممکن نیست، و مقام را مقتضی ذکر آن نمی باشد، هر که خواهد به کتاب «کلمه طیّبه» مراجعه کند.

زیارت و دعای مہیک المؤمنین علیہ السلام

چون خواستی آن حضرت را وداع کنی، این دعای وداع را بخوان، که پس از زیارت پنجم آمده و در کتب علما نقل شده است: **السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ؛ أَسْتَوْدِعُكَ**

سلام و رحمت و برکات خدا بر تو، تو را به

اللَّهُ وَاسْتَرْعِيكَ، وَاقْرَأْ عَلَيْكَ السَّلَامُ؛ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرُّسُلِ،

خدا می سپارم، و خواهان سرپرستی نسبت به خود هستم، و بر تو سلام می فرستم، ایمان آوردیم به خدا و پیامبران

وَمَا جَاءَتْ بِهِ، وَدَعْتُ إِلَيْهِ وَدَلْتُ عَلَيْهِ، فَاكْتُبْنَا مَعَ

و به آنچه از جانب خدا آوردند، و به آن دعوت نموده و راهنمایی کردند، خدایا ما را همراه با

الشَّاهِدِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِيَّاهُ، فَإِنْ

گواهان بنویس. خدایا این زیارت مرا آخرین زیارت ایشان قرار مده، اگر مرا

تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي، عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ

پیش از آن بمیرانی، پس از مرگم شهادت می دهم بر آنچه در زندگی

زیارت واعیه المؤمنین علیہ السلام

فِي حَيَاتِي ؛ أَشْهَدُ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيًّا ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ،

شهادت دادم، شهادت می‌دهم که امیر مؤمنان علی و حسن و حسین،

وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ،

و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد

وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَعَلِيَّ بْنَ

و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن

مُحَمَّدٍ ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، وَالْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ ، صَلَوَاتُكَ

محمد و حسن بن علی، و حجت بن الحسن، (درود تو بر همه ایشان)

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَيْمَتِي ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مَنْ قَتَلَهُمْ وَحَارَبَهُمْ

امامان من هستند، و گواهی می‌دهم: هر که آنان را کشت و با آنان جنگید

مُشْرِكُونَ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْهِمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، وَأَشْهَدُ

مشرك است، و هر که سخنانشان را مردود دانست جایگاهش در پست‌ترین مرتبه از دوزخ است، و شهادت می‌دهم

أَنَّ مَنْ حَارَبَهُمْ لَنَا أَعْدَاءُ، وَنَحْنُ مِنْهُمْ بُرَاءُ، وَأَنَّهُمْ حِزْبُ

کسانی که با آنان جنگیدند دشمنان ما می‌باشند، و ما از آنان بیزاریم، و آنان حزب

الشَّيْطَانِ ، وَعَلَى مَنْ قَتَلَهُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ

شیطانند، و لعنت خدا و فرشتگان خدا و همه مردم بر کسانی که آنان

أَجْمَعِينَ ، وَمَنْ شَرِكَ فِيهِمْ وَمَنْ سَرَّهُ قَتْلُهُمْ . اللَّهُمَّ إِنِّي

را کشتند، و آنان که در ریختن خون ایشان شریک شدند، و از کشته شدنشان شاد گشتند. خدایا از تو

أَسْأَلُكَ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَالتَّسْلِيمِ ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ

می‌خواهم پس از نماز و سلام درود فرستی بر محمد و علی

وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ، وَجَعْفَرَ وَمُوسَى،

و فاطمه و حسن و حسین، و علی و محمد، و جعفر و موسی

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ ، وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

و علی و محمد و علی و حسن و حضرت حجت، و آن را آخرین زیارت من

مِنْ زِيَارَتِهِ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِي مَعَ هَؤُلَاءِ الْمُسَمَّيْنَ الْأَيْمَةِ.

از زیارت ایشان قرار مده، اگر قرارش دهی پس مرا با این امامان نام برده محشور کن،

اَللّٰهُمَّ وَذَلَّلْ قُلُوْبَنَا لَهِمْ بِالطَّاعَةِ ، وَالمُنَاصَحَةِ وَالمَحَبَّةِ ، وَحُسْنِ

و قلوب ما را به طاعت و خیرخواهی و محبت و کمک نیک و تسلیم شدن

المُوَازَرَةِ وَالتَّسْلِيمِ .

در برابر آنان فروتن فرما

مقصد دوم: زیارت مخصوصه حضرت امیرمؤمنان علیه السلام

و آن چند زیارت است. اوّل: زیارت روز غدیر. از حضرت رضا علیه السلام روایت شده که به ابن ابی نصر فرمود: هر جا که باشی، روز غدیر کنار قبر امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شو، به درستی که در این روز حق تعالی، از مرد مؤمن و زن مؤمنه گناه شصت سال را می‌آمرزد، و از آتش جهنم آزاد می‌کند دو برابر آنچه در ماه رمضان و شب قدر و شب فطر آزاد کرده. بدان که برای این روز شریف چند زیارت نقل شده است: اوّل: زیارت «امین الله» که بیان آن در زیارت دوّم مطلقه گذشت [صفحه ۸۶۳]. دوّم: زیارتی است که به سندهای معتبر از حضرت هادی علیه السلام نقل شده است، که با آن زیارت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام را در روز غدیر در سالی که معتصم آن حضرت را طلییده بود زیارت کردند، و کیفیت آن به این نحو است: چون اراده زیارت نمایی بر بارگاه نورانی بایست، و رخصت بخواه، و شیخ شهید گفته:

غسل می کنی، و پاک ترین جامه های خود را می پوشی، و اذن دخول می طلبی و می گویی: «اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ» و این همان اذن دخول اول است که ما در اول باب نقل کردیم، پس پای راست را پیش بگذار، و داخل شو به نزدیک ضریح مقدس برو و پشت به قبله در برابر ضریح بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ،

سلام بر محمد رسول خدا، خاتم پیامبران، و سرور رسولان،

وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، آمِينَ اللَّهُ عَلَى وَحْيِهِ، وَعَزَائِمِ أَمْرِهِ،

و برگزیده پروردگار جهانیان، امین خدا بر وحی و دستورات قطعی الهی،

وَالْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَالْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَالْمُهَيِّمِ عَلَى ذَلِكَ

و ختم کننده آنچه گذشته، و گشاینده آنچه خواهد آمد، و چیره بر همه

كُلِّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ. السَّلَامُ عَلَى

اینها، و رحمت و برکات و درودها و تحیات خدا بر او باد. سلام بر

أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، وَمَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ.

پیامبران خدا و رسولانش، و فرشتگان مقرب و بندگان شایسته اش.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَوَارِثَ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان، و وارث

عِلْمِ النَّبِيِّينَ، وَوَلِيِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَمَوْلَايَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ،

دانش پیامبران، ولی پروردگار جهانیان و مولای من و مولای مؤمنان،

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

و رحمت و برکات خدا بر او باد. سلام بر تو ای مولای من ای امیر مؤمنان،

يَا أَمِينَ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ، وَسَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ، وَحُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى

ای امین خدا بر روی زمینش، و سفیر او در خلقش، و حجت رسایش بر

عِبَادِهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ ، وَصِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ ؛

بندگان. سلام بر تو ای دین معتدل خدا، و راه راستش.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبَاُ الْعَظِيمُ ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ، وَعَنْهُ

سلام بر تو ای خبر بزرگی که آنها در آن اختلاف کردند، و از آن

يُسْأَلُونَ ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، آمَنْتَ بِاللَّهِ وَهُمْ

بازخواست شوند. سلام بر تو ای امیر مؤمنان، به خدا ایمان آوردی، در حالی که مردم همه

مُشْرِكُونَ ، وَصَدَّقْتَ بِالْحَقِّ وَهُمْ مُكَذِّبُونَ ، وَجَاهَدْتَ

شرک می‌ورزیدند، و حق را تصدیق گفتی وقتی که آنان آن را تکذیب می‌نمودند و جهاد کردی

فِي اللَّهِ وَهُمْ مُحْجَمُونَ ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ، صَابِرًا

و آنان از جهاد عقب‌نشینی می‌کردند، خدا را عبادت کردی، در حالی که خالص نمودی برای او دین را، صبر کردی

مُحْتَسِبًا ، حَتَّى آتَاكَ الْيَقِينُ ؛ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ . السَّلَامُ

و به حساب خدا گذاشتی، تا مرگ تو را در رسید، آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران. سلام

عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ ، وَإِمَامَ

بر تو ای آقای مسلمانان و رئیس دین، و پیشوای

الْمُتَّقِينَ ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ ؛ أَشْهَدُ أَنَّكَ

اهل تقوا، و مقتدای سپیدرویان، و رحمت و برکات خدا بر تو باد شهادت می‌دهم که تویی

أَخُو رَسُولِ اللَّهِ ، وَوَصِيِّهِ وَوَارِثُ عِلْمِهِ ، وَأَمِينُهُ عَلَى شَرْعِهِ ،

برادر رسول خدا، جانشین، و وارث علمش، و امین او بر قانونش،

وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ ، وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ ، وَصَدَّقَ بِمَا أُنْزِلَ عَلَى

و جانشین او در امتش، و اوّل کسی که به خدا ایمان آورد، و آنچه را بر پیامبرش نازل شده بود

نَبِيِّهِ ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أُنْزِلُ فِيكَ ، فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ ،

تصدیق کرد، و شهادت می‌دهم که آن حضرت همه آنچه را خدا درباره تو نازل کرد به مردم رساند،

وَأَوْجَبَ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ ، وَعَقَدَ عَلَيْهِمْ

و امر خدا را درباره تو با صدای بلند اعلام کرد، و بر امتش حتمی بودن طاعت و ولایت را واجب نمود،

الْبَيْعَةَ لَكَ ، وَجَعَلَكَ أَوَّلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ ، كَمَا جَعَلَهُ

و بیعت تو را بر عهده آنان نهاد، و حضرتت را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد، چنان که

اللَّهُ كَذَلِكَ ، ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمْ ، فَقَالَ : أَلَسْتُ قَدْ

خدا خود او را اینچنین قرار داد، سپس پیامبر اسلام خدا را بر مردم شاهد گرفت و فرمود: آیا من آن نیستم

بَلَّغْتُ ، فَقَالُوا : اَللَّهُمَّ بَلَى ، فَقَالَ : اَللَّهُمَّ اَشْهَدْ ، وَكَفَى بِكَ

که رساندم. همه گفتند: به خدا آری. پس فرمود: خدایا گواه باش، و تو برای

شَهِيدًا ، وَحَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ ، فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ وَلَايَتِكَ بَعْدَ

گواهی و حاکمیت بین بندگان بسی. پس خدا لعنت کند منکر ولایت را بعد از

الإِقْرَارِ ، وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ

اقرار، و شکننده پیمانت را پس از پیمان بستن، و شهادت می دهم که تو به

بِعَهْدِ اللَّهِ تَعَالَى ، وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مَوْفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ ، ﴿وَمَنْ أَوْفَىٰ

عهد خدای تعالی وفا کردی، و خدای تعالی وفا کننده به عهد خویش برای توست، و هر کس

بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ ، فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝﴾ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

به آن پیمانی که با خدا بسته وفا کند، خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد. و شهادت می دهم که تویی

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ، الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ ، وَأَخَذَ لَكَ

امیر مؤمنان آن حقی که قرآن به ولایت گویا شد، و رسول خدا

العَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولُ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ ،

در این زمینه برای تو از امت پیمان گرفت، که تو و عمو و برادرت

الَّذِينَ تَا جَرْتُمُ اللَّهُ بِنَفْسِكُمْ ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ : ﴿إِنَّ اللَّهَ

کسانی هستند که با خدا با جانهایتان معامله کردید، پس خدا این آیه را در حق شما نازل کرد: به درستی که خدا

اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ ، بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ،

از مؤمنان خرید جانها و اموالشان را، که در عوض به آن بهشت برای آنان باشد،

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ، وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا

در راه خدا پیکار می کنند، پس می کشند و کشته می شوند، وعده ای است بر او، محقق شده

فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ، وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ ،

در تورات و انجیل و قرآن، و کیست که به عهد خود وفادار تر از خدا باشد،

فَاسْتَبَشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ .

پس شادی کنید به معامله ای که انجام دادید، و این است آن رستگاری بزرگ

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ، الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ ، الرَّاکِعُونَ

آنانند توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاس کنندگان، روزه گیران، رکوع کنندگان،

السَّاجِدُونَ ، الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ، وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ ،

سجود کنندگان، امر کنندگان به معروف، نهی کنندگان از منکر،

وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ ؛ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۰﴾ . أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ

و نگهبانان حدود خدا، و به مؤمنان بشارت ده، شهادت می دهم ای امیر

الْمُؤْمِنِينَ ، أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ ، وَأَنَّ

مؤمنان، که شک کننده در باره تو به رسول امین ایمان نیاورده، و اینکه

الْعَادِلُ بِكَ غَيْرُكَ عَانِدٌ (عَادِلٌ) عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ ، الَّذِي ارْتَضَاهُ

روی گرداننده از ولایت تو به ولایت غیر، معاندانه روی گردان از دین است، دین میانهای

لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ ، وَأَكْمَلَهُ بِوِلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

که پروردگار جهانیان برای ما پسندیده، و آن را روز غدیر به ولایت تو کامل نموده است، و گواهی می دهم که

الْمَعْنَى بِقَوْلِ الْغَزِيِّ الرَّحِيمِ : ﴿وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا

در این گفته خدای عزیز رحیم، مقصود تویی: به حقیقت این است راه راست من،

فَاتَّبِعُوهُ ، وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ۖ

از آن پیروی کنید، و راههای دیگر را پیروی ننمایید، که شما را از راه او پراکنده کند،

ضَلَّ وَاللَّهُ وَ أَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ ، وَعِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ

به خدا سوگند گمراه شد، و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی نمود، و کسی که تو را دشمن داشت، ستیزه ورزان از

عَادَاكَ . اَللّٰهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَأَطَعْنَا ، وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ

حق روی گرداند. خدایا امرت را شنیدیم. و اطاعت کردیم و راه

الْمُسْتَقِيمِ ، فَاهْدِنَا رَبَّنَا ، وَلَا تَرْغُ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى

راست تو را پیروی نمودیم پروردگارا ما را هدایت کن، و بعد از اینکه ما را به

طَاعَتِكَ ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ

طاعتت هدایت کردی دلهایمان را منحرف مساز، و ما را از سپاسگزاران نعمتهایت قرار ده، و شهادت می دهم

لِلْهَوَىٰ مُخَالِفًا ، وَلِلتَّقَىٰ مُخَالِفًا ، وَعَلَىٰ كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا ،

که تو پیوسته با هوای نفس مخالف، و با پرهیزگاری هم پیمان، و به فرو خوردن خشم توانا

وَعَنِ النَّاسِ عَافِيًا غَافِرًا، وَإِذَا عَصَى اللَّهُ سَاحِطًا، وَإِذَا أَطَاعَ اللَّهُ

و گذشت کننده از مردم و آمرزنده آنان بودی، و زمانی که خدا معصیت می شود خشمناک، و هنگامی که اطاعت می شود

رَاضِيًا، وَبِمَا عَهْدَ إِلَيْكَ عَامِلًا، رَاعِيًا لِمَا اسْتُحْفِظَتْ، حَافِظًا

خشنودی به آنچه خدا با تو پیمان بسته بود عامل بودی، و آنچه نگهداری اش از تو خواسته شده بود

لِمَا اسْتَوْدِعْتَ، مُبَلِّغًا مَا حُمِّلْتَ، مُنْتَظِرًا مَا وُعِدْتَ، وَأَشْهَدُ

رعایت نمودی، و آنچه به تو سپرده شده بود حفظ کردی، و آنچه از حق بر عهدهات نهاده شده بود رساندی،

أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا، وَلَا أَمَسَكْتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا،

و آنچه را به آن وعده داده شدی به انتظار نشستی، و شهادت می دهم که از روی زبونی محافظه کاری نکردی،

وَلَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِبِيكَ نَاكِلاً، وَلَا أَظْهَرْتَ الرِّضَا

و در اثر بی تابی و عجز از گرفتن حقت باز نایستادی، و به خاطر ترس و وحشت، از پیکار با غاصبان ولایت قدم

بِخِلَافٍ مَا يُرِضِي اللَّهَ مُدَاهِنًا، وَلَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ

به عقب نگذاشتی، و به علت سستی بر خلاف آنچه خدا را خشنود می کند اظهار خشنودی ننموده، و برای آنچه در راه

اللَّهِ وَلَا ضَعُفْتَ، وَلَا اسْتَكْنْتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِبًا،

خدا به تو در رسیده سست نشدی، و به خاطر ترس و زبونی از خواستن حقت ناتوان و درمانده نگشتی،

مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ، بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ احْتَسَبْتَ رَبَّكَ،

پناه به خدا از اینکه چنین باشی، بلکه زمانی که مورد ستم واقع شدی. به حساب پروردگارت گذاشتی،

وَفَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ، وَذَكَّرْتَهُمْ فَمَا اذْكُرُوا، وَوَعظْتَهُمْ

و کارت را به او واگذار کردی، و ستمکاران را پند دادی ولی نپذیرفتند، و اندرز دادی

فَمَا اتَّعَظُوا، وَخَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا تَخَوَّفُوا، وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ

ولی قبول نکردند، و آنان را از خدا ترساندی، ولی نترسیدند، و شهادت می دهم که تو

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ

ای امیر مؤمنان در راه خدا به حق جهاد کردی، تا اینکه خدا تو را

إِلَى جَوَارِهِ، وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَالزَّمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ

بجوارش فرا خواند، و به اختیارش تو را به جانب خود قبض روح کرد، و حجتت را بر

بَقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ، لِتَكُونَ الْحُجَّةُ لَكَ عَلَيْهِمْ، مَعَ مَا لَكَ

دشمنانت ختم کرد، با به قتل رساندن تو را، تا حجت به سود تو و زیان باشد همراه با آنچه برای تو بود

مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ ، عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ . السَّلَامُ عَلَيْكَ

از حجت‌های رسا بر همه خلق. سلام بر تو

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِرًا ،

ای امیر مؤمنان، خدا را خالصانه عبادت کردی، و صابرانه در راه خدا جهاد نمودی،

وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِبًا ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ ، وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ

و به حساب خدا جانبازی کردی، و به کتابش عمل نمودی، و روش پیامبرش

نَبِيِّهِ ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ ،

را پیروی کردی، و نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی، و به معروف امر کردی،

وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ ، مُبْتَغِيًا مَا عِنْدَ اللَّهِ ، رَاغِبًا

و تا توانستی از منکر نهی نمودی طالب بودی آنچه را نزد خداست، راغب بودی

فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ ، لَا تَحْفَلُ بِالنَّوَائِبِ ، وَلَا تَهِنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ ،

در آنچه خدا وعده داد، کاسه صبرت از پیش آمدها لبریز نشد، و هنگام سختیها سست نگشتی،

وَلَا تُحْجِمُ عَنْ مُحَارِبٍ ، أَفْكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ ،

از مقابل هیچ جنگجویی بازنگشتی، آنکه غیر این امور را به تو نسبت داد تهمت زد،

وَأَفْتَرَىٰ بَاطِلًا عَلَيْكَ ، وَأَوَّلَىٰ لِمَنْ عِنْدَ عُنْكَ ، لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي

و به باطل دروغ بر تو بست، و مرگ بر کسی که با اصرار بر مخالفت با تو از تو روی گرداند، به راستی در راه

اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرَ احْتِسَابٍ ، وَأَنْتَ

خدا به حق جهاد کردی، و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی صبری به حساب خدا، تویی

أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ ، وَصَلَّىٰ لَهُ وَجَاهَدَ ، وَأَبْدَىٰ صَفْحَتَهُ فِي

اوّل کسی که به خدا ایمان آوردی، و برای او نماز خواندی، و جهاد کردی، و خود را در خانه شرک برای

دَارِ الشَّرِكِ ، وَالْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً ، وَالشَّيْطَانُ يُعَبِّدُ

حق آشکار نمودی، در حالی که زمین انباشته به گمراهی بود، و شیطان آشکارا

جَهْرَةً ، وَأَنْتَ الْقَائِلُ : لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةُ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً ،

عبادت می‌شد، و تویی گوینده این سخن: کثرت مردم در پیرامونم عزتی

وَلَا تَفَرِّقُهُمْ عَنِّي وَحِشَةً ، وَلَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعًا ، لَمْ أَكُنْ

به من نیفزاید و پراکنده شدنشان ترسی به من اضافه نکند، اگر همه مردم از من دست بردارند،

مُتَضَرِّعًا؛ اِعْتَصَمْتَ بِاللَّهِ فَعَزَزْتَ، وَ آثَرْتَ الْآخِرَةَ عَلَى الْاُولَى

نالان نشوم، پناهنده به خدا شدی و عزت یافتی، آخرت را بر دنیا برگزیدی

فَزَهَّدْتَ، وَ اَيَّدَكَ اللَّهُ وَ هَدَاكَ، وَ اَخْلَصَكَ وَ اجْتَبَاكَ،

و پارسا گشتی، خدا تأییدت نمود و راهنمایی فرمود، و در گردونه خلوص قرار داد، و تو را برگزید،

فَمَا تَنَاقَضَتْ اَفْعَالُكَ، وَ لَا اخْتَلَفَتْ اقْوَالُكَ، وَ لَا تَقَلَّبَتْ

کردارهایت ضد و نقیض نشد، گفتارهایت اختلاف نیافت، حالات زیر و رو

اَحْوَالُكَ، وَ لَا ادَّعَيْتَ وَ لَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، وَ لَا شَرِهْتَ

نگشت، ادعای بیهوده نکردی، و بر خدا دروغ نیستی، و به متاع اندک دنیا

إِلَى الْخُطَامِ، وَ لَا دَنَسْتَ الْاِثَامُ، وَلَمْ تَزَلْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ،

طمع نورزیدی، گناهان تو را آلوده نساخت، همواره امورت بر پایه برهانی از سوی پروردگارت بود،

وَ يَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ، تَهْدَى إِلَى الْحَقِّ، وَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ أَشْهَدُ

در کارت بر یقین بودی، به سوی حق و راه مستقیم هدایت می نمودی، شهادت می دهم

شَهَادَةَ حَقٍّ، وَ أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ، أَنَّ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ صَلَوَاتُ

شهادت حق، و سوگند می خورم سوگند صدق، که محمد و خاندانش

اللَّهُ عَلَيْهِمُ، سَادَاتُ الْخَلْقِ، وَ أَنْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ،

(درود خدا بر آنان باد) سروران خلقت، و اینکه تو مولای من و مولای همه مؤمنانی،

وَ أَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَ وَلِيُّهُ، أَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِيُّهُ وَ وَارِثُهُ، وَ أَنَّهُ

تو بنده خدا و ولی او و برادر پیامبر و جانشین و وارث او هستی، و او گوینده این سخن به

الْقَائِلُ لَكَ: وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مَنْ كَفَرَ بِكَ، وَ لَا أَقَرُّ

حضرت توست: سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت به من ایمان نیاورد آن که به تو کافر شد، و به خدا

بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ، وَ قَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ، وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ،

اقرار نمودم آن که به انکار تو برخاست، گمراه شد کسی که مردم را از تو بازداشت و به سوی خدا

وَ لَا إِلَهَ إِلَّا مَنْ يَهْدِي بِكَ، وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَإِنِّي

و به جانب من راه نیافت، و این گفتار پروردگار عز و جل من است: من

لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا﴾؛ ثُمَّ اهْتَدَى إِلَى وِلَايَتِكَ.

امرزندهام آن کس را که توبه کرد، و ایمان آورد، و عمل شایسته انجام داد، سپس به سوی ولایت تو راه یابد.